قبل از میلاد ، مقدمات مدنیت اوستایی هموار گردیدودر حدود هزار سال قبل از میلاد آثار مثبته‌ء آن آشکار گردید .

در هرحال باید دانست مدنیت اوستایی آریانا‌ءعین مدنیت ویدی است که اصلاح شده ومتکامل تر گردیده است ویا این که در اثر تحولات شکل جدیدی را به خود اختیار کرده است . اگر از فرود وفراز پهن شدن نفوذ هخامنشی گذشته و روی حوادث ۳۲۸ ق . م توقف شود .

میبینم در اواخر بهار (۳۲۸) ق . م وقتی اسکندر عسکر خود را که بالغ (۵۰ - ۶۰ هزار) نفر میشد ، از راه چاریکار ، پل متک ، دره‌ء غوربند ، برج گل جان ، سیاه گرد ، دره‌ء کوه شان ، اندراب عبور داده خود را به مقصد رسانید .

در این وقت مردان مجاهد و وطن پرست ما‌ءمحض به حکم شعور ملی ، وبه نفع ملت ومملکت ، دورهم جمع شده ، وبه مشوره پرداختند وبدین نوع‌ء "باسوس" در باکتریانه در صدد آماده گی در مقابل عساکر متجاوز اسکندر برآمد تا اگر بتواند قشون مقدونی را مضمحل سازد ، ولی اسکندر قبل آن که او کاری کرده باشد ، در رسید و"باسوس"به ناچار سیاست مدافعوی را برای خود انتخاب نمود . نظر به تحریري Quinte curice "باسوس"همین که از نزدیك شدن اسکندر آگاهی یافت ، تمام کسانی را که در راه طرد دشمن با او هم فکر بودند جمع کرده ، مجلسی ترتیب داد تاموافق عادت قومی وعنعنه نیك وشریف ملی در مورد خطر دشمن چپاول گر وغارت گر ، وعساکر متجاوز او ، وهمچنان در موضوع دفع وراندن ایشان از وطن ومیهن آبائی خود ، جرگه نمایند . در این مجلس‌ء"باسوس" برای آن که روحیه‌ء مردمان وطن خود را تقویه کرده باشد ، از قوای خود تعریف واز جنگ آوری مقدونیان تکذیب کرد وگفت: عقیده‌ء من چنین است که ما باید در مقابل قوای زیاد یونانی به

حال مدافعه درایم وبیشتر از عوارض طبیعی استفاده کنیم تادشمن را ضعیف ساخته برویم . به نظر وفکر من چون نمیتوانیم با این قوای قلیل در برابر دشمن قوی، کاری حسب خواهش انجام دهیم ، باید به سوگدیانه برویم که رود جیحون در جلو سنگری باشد ، تا کمکهای لازمه ، از ملل همجوار وباقی اقوام مجاور برای ما برسند .

مجلسیان همه فریاد زدند : که این نقشه برای نجات ما بهترین وسیله است .

اسکندر در (۳۲۷) ق . م به جنوب هندوکش فرود آمد و در کنار دریای پنجشیر، از راه نجراب ، تگاب ، لغمان ، کنر ، اسمار ، باجور وصوات جانب سرزمین هند روان شد تا اگر بدینوسیله از مجادلهء مزید در کوهپایه های قلب آسیا جلوگیری نموده وجان به سلامت برد ، باآنهم اسکندر در درهء کنر زخم شدید برداشت بالاخره رود اندوس را در نزدیکی اتک عبور نمود ، واز خوف این که مبادا در راه بازگشت به یونان از راه افغانستان ، بار دیگر بامقاومت شدید افغانها مواجه گردد تصمیم گرفت خط السیر بازگشت عبور را به یونان تغییر دهد .

یونانیهایی که بعد از اسکندر در افغانستان باقی ماندندءافغانستان را به حیث کشور اصلی ودایمی خود پذیرفتند . در عین زمان در اثر اتحاد افغان یونان یك قوهٔ بزرگ وجدید را طبق ایجابات وشرایط کوهستانات آزاد افغانستان بنام امپراطوری یونان باختری به وجود آوردند .

امپراطوری کوشانیها نیز دورهء درخشانی را در تاریخ این سرزمین احتوا میکند که بیش از پنج قرن در این سرزمین حکمروایی داشتند .

در قرن ششم میلادی امپراطوری یفتیلی در اثر جنگهای طولانی از بین رفته ، وملوك الطوایفی در آریانا ظهور نمود . امرای متعدد محلی رویکار آمدند . نفاق وتجزیه سرتاسر مملکت را قوا گرفت وعدم مرکزیت ادارهٔ سیاسی وقوای دفاعی کشور را خیلی ضعیف ساخت . این بحران

سیاسی تا مقارن دین مقدس اسلام دوام کرد .

(٤٧) سال بعد از هجرت حضرت رسول اکرم (ص) ، قشون منظم عرب جهت فتح خراسان یا افغانستان امروز ارسال گردید . نفوذ سیاسی ایشان بافتح یك قسمت بسیار محدود منحصر به مرو ونیشاپورماند ، ومابقی کشور توسط روسا ی ملی اداره میشدند . بعد از آن قسمتهای دیگر از قبیل فاریاب ، بدخشان ، بلخ ، میمنه ، شبرغان ، بادغیس را متصرف شدند .

در سال (١٢٩) هجری ابومسلم خرسانی ظهور نمود وقیادت نیروی ملی را به عهده گرفت . نامبرده به صورت عاملانه از مخاصمتهای اموی وعباسی ، جهت آزادی کشورش استفاده نموده وسرحدات حکومت ملی خود را از بدخشان الی نیشاپور ، واز سیستان تا بلوچستان سند برقرار نموده وخلافت اموی را از بین برد . او در سال (٧٥٤) میلادی گشته شد وانتشار خبر قتل ابومسلم در افغانستان بحران بزرگی را در سرتاسر کشور وامپراطوری عباسی به وجود آورد وجنگهای خونین در بین افغانها واعراب به وقوع پیوستند که تاآخر قرن دوم هجری دوام نمود ودر نتیجه ، زمینه را برای فرمان روایان مستقلی افغانی از قبیل طاهریان ، صفاریان ، سامانیان ، غزنویان ، غوریان وغیره فراهم نمود .

بعدها اوضاع وشرایط موجب قیام قبایل افغانی به مقابل بیگانه ها گردیده ، و شورشهای متعددی که رهبری آن را عموماً روسای قبایل به عهده داشتند به وقوع پیوستند . این جنبشها که از قرن ١٦ اغاز شده بودند ، مدتها دوام کردند واکثراً توسط دول مسلط سرکوب گردیدند ، تا این که جریان پخته گردید ، وبعضی شهزاده نشینها وحکومات محلی در بعضی جاها به میان آمدند وبالاخره هوتکیها وبعد ابدالیها دولتهایی به وجود آوردند .

جرگهء میرویس هوتکی :

میرویس هوتکی

در کتاب افغان وفارس چنین درج گردیده؛در مکه یک دعوت مخصوص برای علمای آنجاه‌ترتیب داد ودردل خود را با ایشان در میان نهاد وگفت : ما افغانها بین دو ملت محدود شده ایم. از یکطرف امپراطوری هند ، واز طرف دیگر مملکت فارس . چندی قبل فارسیها به مملکت ما تجاوز کردند . ما ظلمهای غیر قابل تحمل را از ایشان میبینیم، چنانچه حکمران موجوده ء ما شخص ظالمی بنام گورگین میباشد،که خلاف مقررات دین وعدالت برما وفامیلهای ما ظلم وتعدی مینماید،میخواهد قوم ما را غلام خود ساخته،آل وعیال ما را پریشان وتباه سازد . آیا در این حال حق نداریم برای حفظ دین وفامیلهای خود شمشیرها را از غلاف بکشیم ؟

در جواب از طرف علما وفقیها جواب مثبت ومطابق آرزوی خود دریافت نمود وفتوای تحریری که همه امضأ کرده بودند به میرویس دادند .

به قول مؤلف کتاب جنگ افغان وفارس ؛ وقتی میرویس دوباره به کلانتری کندهار مقرر شد ، گرگین به فکر انتقام افتاد ، به دین جهت از میرویس خواست دختری خودرابه خانهء او بفرستد . میرویس روسای قبایل را جمع کرده موضوع را به آنها در میان گذاشت . همه از شنیدن آن متأثر شدند ، ومیرویس را به مقاومت در مقابل خواستهء گرگین رأی دادند،وسوگند خوردند که در این راه همه تاآخرین لحظه او را کمک نمایند، میرویس از همرایی شان فوق العاده مسرور گشت وانها را مخاطب قرار داده گفت : عنعنه وقول خود را فراموش نکنید ، اما منتظر فرصت باشید بر من اعتماد داشته باشید که از دشمن انتقام سختی خواهیم گرفت .

بعد کتاب رحمان بابا را کشوده در آن فال دیدند ، بعد از خواندن اشعار مذکور میرویس گفت : کار ستمگران وظالمان خلاص است.اما فعلاً باید خاموش باشیم ومنتظر فرصت شویم.وقتی من به شما صدا کردم همهٔ تان آماده باشید تا ظالمان را از وطن بیرون کنم .

مباحثات جرگه تاشام همان روز دوام داشت ، در اخیر این طور فیصله کردند که ؛ به هیچ صورت نباید دختری خود را میرویس به خانهٔ گرگین به منظور ازدواج با پسرش بفرستد . اما از جهت این که او را غافل گیر سازیم ، دختر دیگری را به عوض دختر میرویس باید به خانهٔ گرگین بفرستیم تا زمانی که فرصت فرا رسد .

بعد از این فیصله همه به قرآن ، شمشیر ونان ونمک قسم خوردند.بعد از آن میرویس دختر دیگری را که در خانهٔ او تربیه شده بود به نام دختر خود به خانهٔ گرگین فرستاد .

دوشیزهٔ مذکور به گرگین گفت : من دختر میرویس استم.بدین ترتیب بهانه یی را که گرگین برای انتقام گرفتن در مقابل او سنجیده بود بی اثر ساخت،وگرگین هم اعتبار حاصل کرد که بعد از این میرویس در صدد دشمنی با او نخواهد بود . بعد از آن در هریک موضوع نظر ورأی او را میخواست ومیرویس هم طوری وانمود میکرد که مظالم گرگین را فراموش کرده است.تاحدی که گرگین بر او اعتماد کامل پیدا کرد.ناگفته نماند که جرگهٔ اول ایشان در مقام کوکران که در شش کروهی شهر کندهار به طرف غرب واقعیت انعقاد یافته بود،که بعداً زعیم ملی ما میرویس خان در آنجاه مدفون گردید .

یکماه بعد که آتش ظلم وستم گرگین دوباره به شدت تمام شعله ور گردید ، میرویس روسا وبزرگان وخوانین قوم را طلبیده ، ودر مقام مانجه که در قسمت شمال شرق کندهار به فاصلهٔ بیست میل در سر راه کابل

واقع است ، جرگهء را منعقد ساخت . این قسمت متعلق به خانم میرویس خان دختر جعفرخان سدوزایی بود که در آن وقت در این حدود سدوزاییها سکونت داشتند .

اعضای جرگه بازهم سوگند به قرآن کریم خورده و عهد بستند ، بعد از آن میرویس کاغذ اعتماد الدوله را به آنها نشان داد وگفت : که حکومت فارس هم از گرگین دلی خوشی ندارد وبرای من اجازه داده شده است که گرگین را از میان بردارم وافغانها را از شر او نجات دهیم واین در صورتی امکان پذیر است که همه یك دل وزبان وبایك ارادهء محکم وخلل ناپذیر پیمان اتحاد ببندید . همه به او قول همراهی واتحاد دادند .

این جرگهء ملی تاحوالی شام ادامه داشت،که به هریك از اعضای مجلس وظایف شان تعیین گردید ، وبرای اقدامات اولیه ترتیبات لازمه گرفته شد .

میرویس به مشوره ومصلحت سران قوم چند نفر را در جاهای مخصوص تعیین وتقسیم کرد که در آنجا منتظر فرصت واشاره او باشند . وقتی گرگین بارفقا وعدهء از محافظین به طرف باغ روان شد . میرویس ودیگر بزرگان قوم از او استقبال خوبی کردند.دعوت بسیار مجللی بود وبه فرمودهء سید جمال الدین افغانی در این دعوت برای آنها شراب مرك تهیه شده بود،تا آن که از طرف زعیم ملی اشارهء انتقام صورت گرفت وگرگین ویاران او در زیر تیغ افغانها افتادند .

فردای آن شب میرویس،خوانین ومو سفیدان قوم را برای سومین جرگهء ملی دعوت داد،وهم به افغانهایی که از شهر دور زنده گی میگردند ، ویا آنهایی که از ظلم متجاوزین مجبور به ترك خانه ودیار خود شده بودند و در کوهها منزل اختیار کرده بودند نیز دعوت نامه ها فرستاد وبه آنها پیغام داد: که ما فاتح شدیم فوراً بشتابید وبا ما یکجا شوید .

به عبارت واضح تر لویه جرگه را برای اولین بار دائر کرد واین اصطلاح یعنی لویه جرگه ، از همین وقت بعد مروج گردید . در حالی که پیش از این ، جرگه های قومی وملی بوده است وتحت این عنوان دعوت شده بودند .

وقتی که بزرگان به دور میرویس جمع شدند ، میرویس به الفاظ ساده و شیوا گفت :

ای قوم افغان !

اگر با من متحد و همدست شوید من به کمک شما زنجیرهای اسارت را از گردن خود و شما دور خواهم کرد،بیرق آزادی خواهی خود را در هرگوشه وکنار وطن بلند خواهم نمود ، وسلطهء بیگانه را از خود طرد خواهم کرد.

توکل بر خداوند بزرگ نمایید، خاطرهای خود را شاد دارید ، در حالی که نیتهای ما صاف و راه ما راست باشد به کمک خداوند موفقیت با ما است .

در کتاب تاریخ مختصر افغانستان تألیف استاد عبدالحی حبیبی چنین تذکر رفته است که:حدود حکمروایی میرویس از فراه وسیستان کرمنت ت پیشین ودامنه های کوه سلیمان و شمالاً تا غزنی میرسید . میرویس شخص فکور و دانشمند و دپلومات لایقی بوده،از اوضاع سیاسی همسایه گان به خوبی اطلاع داشت.در جرگه یی که او را به پادشاهی، انتخاب کردند لقب شاهی را قبول نکرد،وفقط به عنوان رئیس و بزرگ قوم ماند . او در جرگه های ملی و در قواء افغانی همواره بین مردم مانند یکی از آنان بر چادر مینشست و دیگران را نیز بر چادر خود مینشاند وقضایای ملی را به کمک فکر صائب خود حل میکرد .

ظهور احمد خان درانی

بعد از صلح وعودت نادر به فارس ، ذوالفقار خان در ۱۱٤۲ هـ مکرراً از راه فراه به هرات لشکر کشید وبالاخره به تصویب جرگه ، به حکومت هرات مقرر،واله یارخان به وه چاق فرستاده شد . از این تاریخ ما احمد شاه را به طور قطع در شهر هرات میبینیم .

در ۱۱٤۳ هـ نادر به هرات حمله میکند و ذوالفقار بعد از پنج ماه مقاومت چون در میابد که اله یارخان در داخل شهر به ضد او کار میکند ذوالفقار خان استعفای خود را به جرگه تقدیم،وخاطر نشان میکند که چون جنگ با فارس در پیش است از حقوق ریاست خود میگذرد،تا نفاق جزئی سبب خرابی کلی نگردد . جرگه،الله یار رئیس سابق را احضار،و ذوالفقار را باخانواده و برادر کوچکش احمدخان از هرات خارج وبه فراه

میفرستد . در کندهار شاه حسین هوتکی هر دو برابر را محبوس میسازد .
احمدخان شش سال در محبس دولتی کندهار بسرمیبرد تا آن که نادر در ۱۱۵۰ شهر کندهار را فتح ومحبوسین را ازاد کرده واحمدخان نیز در همین جمله شامل بود . او احمد خان را برای منصبداری مناسب دیده و او را در زمرهء افسران عساکر افغانی در معیت خود قبول کرد . احمد خان در اندك مدتی توانست بیش از هرکسی دیگر مورد احترام واقع گردد . چنانچه نادر به هر مشکلی که مواجه میشد حل وفصل آن را به دوش احمد خان میگذاشت تا این که نادر در ۱۷٤۷ میلادی توسط یك عده از دشمنانش کشته شد .

بعد از آن احمدخان که در مورد افغانستان آرزوهای بزرگی در سرداشت بدون آن که به امور داخلی فارس تماس حاصل نماید به اتفاق نور محمد خان قوماندان قوای افغانی وتمام قطعات افغانی به جانب کندهار از راه هرات حرکت نمود ودر ۱۱۶۰ هـ باتمام قوای افغانی وارد کندهار شد ، اما در عوض راه قیادت بازهم به دست نور محمد خان بود .

در آن وقت مرکز بین الاقوامی کندهار بود. بعد از مراجهت عساکر افغانی در کندهار ، بزرگان درك نمودند که بزرگترین عامل تسلط کشورهای همسایه در افغانستان عدم وحدت نظر وبی اتفاقی در بین خود آنها است . بنا برآن بعد از آن که بزرگان قوم هرگونه ارتباط خودرا با ایران قطع نمودند، نور محمد خان غلجایی به سران ازبك ، ابدالی ، بلوچ ، هزاره ، تاجك وقزلباش پیشنهاد تشکیل جرگهء را نمود، که در آن پادشاه افغانستان تعیین گردد . چون این مطلب نسب العین ملی بود به فوریت پذیرفته شد .

در سال ۱۱۲۶ مطابق ۱۷٤۷ لویه جرگهء افغانی در مزار شیر سرخ در قلعهء نظامی نادر آباد دایر شد . جرگهء شیر سرخ وقت زیادی را

دربر گرفت.بعد از انعقاد هشت جلسه هنوز هم به نتیجه یی نرسید.زیرا در این جرگه برخلاف جرگه های عادی،اکثریت آراءدر کار نبود،بل که جمع شدن تمام آراءدر نقطهء واحد لازم شمرده میشد . موضوع انتخاب شاه نهایت مهم بود در نظریات اختلاف زیاد وجود داشت.لذا فیصلهء قطعی مشکل بود .

اعضای مهم وعمدهء جرگه حاضر نبودند سلطنت همدیگر را به لحاظ همشانی و رقابت عشیروی قبول نمایند .

شخصی که در تمام جلسات جرگه قطعا برای خود حرفی نزد یك نفر وآن هم احمدخان بود . در جلسهء نهم یکی از اعضای مجلس برای بار اول احمدخان سدوزایی را نظر به حسن اخلاق شهرت وکار دانی او لایق مقام سلطنت دانسته ونظریهء خود را در مورد انتخاب وی پیش نمود ، این شخص صابرشاه نام کابلی بن استاد لایخور بود ،که نظر به مسلك تصوف طرف احترام تمام روسای کندهار بود . لذا پیشنهاد او با این عبارات:« که احمد خان در بین همهء شما لایق و سزاوار پادشاهی است- شخصیتی دارد عالی ومتین وفکری دارد ،رسا وبا سنجش » مورد قبول همه واقع شد .

از این سبب پیشنهاد بیطرفانهء او باعث هیاهو وضدیت نگردید،بل که روسای عمده واعضای مجلس را به این متقاعد ساخت که احمدخان از عشیرهء کوچك بوده واگر تعداد دو قبیلهء سدوزایی و بارکزایی در نظر گرفته میشد،اولی نسبت به دومی در حددود یك برنه وبا یك برده بود . چنانچه مورخین یکی از علل انتخاب شدن احمدخان را به پادشاهی همین خوردی نسبی قبیلهء او میدانند،که اگر خلاف مصالح قوم رفتار کند عزل او آسان باشد .

به هرحال باصفات بارزی که در شخص شخیص سردار سدوزایی دیده

پیشگفتار

نگاهی به جریان تکامل جوامع بشری تا مرزی که بینش،مطالعه وقضاوت تاریخ در درازنای زمان نشان میدهد ، شاهد وبیانگر واقعی موجودیت افغانستان وتاریخ باستانی ان میباشد . در واقع افغانستان کشوری است باگذشته های پر افتخار باستانی دارای تاریخ وکلتور وفرهنگ اصیل ملی که تمدن های مختلفی را در دامان خود پرورده است .

تاریخ گواه است که مردمان این مرز وبوم برای تنظیم حیت ملی — تمامیت ارضی حفظ نوامیس ملی گرد هم جمع میشدند . آریاییها از خود رسم و رواجها وعنعنات گوناگون داشتند . ایشان مشکلات ومعضلات اجتماعی وقومی خود را از طریق جرگه ها حل وفصل میکردند . چنانچه لویه جرگه در وطن ما برای حل مسایل بسیار بزرگ ملی و مملکتی دایر میشود وهم جرگه های قومی که مردم قسمتهای مختلف افغانستان که بدایر کردن ان در مواقع لازم عادت دارند در واقع اساس ومنشأی این عنعنهء نیك است که به روزگاران باستان منتهی میشود .

فرهنگ رزم آفرین ، حماسه های جاویدانی ، روحیهء شهامت وتسلیم

میشد او به پادشاهی انتخاب شد وبه نام اعلیحضرت احمدشاه به عنوان در دران وبه صفت بابای ملت شهرت پیدا کرد ، حاجی جمال خان رئیس قبیلهء نیرومند بارکزایی که در قطار انتخاب شونده گان،چانس بزرگی داشت،اغراض شخصی را که چون مرض ساری ومهلك دامن گیر همه بزرگان قوم بود ، زیر پا گذاشته،وبابیعت به پادشاه جدید،اساس دولت درانی سدوزایی افغانستان را مستحکم ساخت،ویادگا فراموش ناشدنی از خود گذری خویش را در یك موقع بسیار حساس در تاریخ افغانستان ثبت نمود .

بعد از آن که در نتیجهء اندك مذاکرات ، آرأی عمومی مجلسیان به انتخاب،وبه تعیین احمدخان موافقت نمودء بالاخره او شاه افغانستان اعلان وجرگهء ملی شیر سرخ که کار مهم وتاریخی را انجام داده بود منحل گردید،واحمدشاه در جرگه به صفت پادشاه مملکت انتخاب شد در حالی که صداهای تبریك وتهنیت اهالی را جواب میگفت تاج طلاگون از خوشهء گندم در فرق خود افراشته داشت . این تاج طبیعی تاریخی در همان جرگهٔ شیر سرخ از طرف صابرشاه انتخاب کنندهء اول احمدخان به دستار او نصب شده بود،واین واقعهء تاریخی در ۱۱۲٦ هـ مطابق ۱۷٤۷ م اتفاق افتاده بود .

ناگفته نباید گذاشت که در این زمان افغانستان کشوری بود که اجزای آن از هم بریده شده ، قسمتی از آن به بیگانه گان وقسمتهای نیز تحت تسلط خود افغانها به شکل امرای محلی اداره میشد. روابط روسای قبایل و رعایای آنها بوجه احسن احترام میشد . هر وقتی رئیس قبیله،به اتخاذ فیصلهء مهمی مواجه میشد،با دیگر اعضای قبیله مشوره مینمود.در جرگهء که میتوانیم آن را شورای محلی بگوییم هر عضو از اعضای قبیله میتوانست نظریات خود را آزادانه وبدون ترس

میتوان گفت:
ابراز دارد و روی همرفته/تصامیم این جامعهء قبیله وی به روی اساسات دموکراسی استوار بود .

نخستین و بزرگترین تقاضای احمدشاه بعد از انتخاب او به حیث پادشاه از مردم افغانستان این بود ،که اختلافات قبیلوی را کنار گذاشته وبرای تأمین وحدت سیاسی وتمامیت ارضی افغانستان که از رود آمو تا رود سند و بحر هند شمرده میشد،و قسمتهای مختلف آن در تصرف شاهان هندی و ایرانی قرار داشت،باهم متحد شوند . این تقاضای احمدشاه در لویه جرگهء که در ١١٤٧ به این منظور دایر شده بود از طرف نماینده گان قبایل تائید گردید .

همچنان لویه جرگهء سال ١١٤٧ هـ ق در شهر کندهار برای تصویب یك قسمت تصامیم احمدشاه بابا برای اصلاح وانکشاف موضوعات مهم اداری و مملکتی،وهمچنان تایید مفکورهء تجدید شهر تاریخی کندهار تشکیل شد . در این جرگه سران بزرگان قبایل مختلف جمع شده مصارف تخریب واعمار مجدد شهر را به طور اعانه قبول دار،ونقشهء شهر را تصویب ، ونظریات احمدشاه بابا را در این مورد تایید کردند .

احمدشاه مرد متفکر و دانا بود وتوانست به کمك روسای قبایل پشتون وعساکر دولتی خود ،نخست تمام مردمان سرزمینهای موجودهء افغانستان اعم از تاجکها و ازبکها را متحد سازد،و دولت نیرومندی فیودالی کندهار را تأسیس کند ، و افغانستان را که وضع نا بسامانی داشت و آن از نتیجهء تسلط چند سالهء اجنبیها بود در ساحات اقتصادی اجتماعی و فرهنگی کشور رفع نماید . و برای مرفوع ساختن آن فعالیت آغاز کرد.اقتصاد از هم پاشیده دوباره رونق گرفت ، شهرها ترمیم شد وحتی شهرهای جدیدی اباد گردید ، نظم وامنیت در سراسر کشور تأمین شد . روی همرفته احمدشاه در تشکیل مجدد افغانستان مرهون

میرویس خان هوتکی است زیرا احمدشاه طرح ناتمام او را تکمیل نمود .

بعد از فوت این مرد بزرگ و مؤسس افغانستان در ۱۷۷۳ ، ابتدا سلیمان پسرش به کمك شاه ولی خان وزیر دربار احمدشاه،پادشاه شد. زیرا سلیمان داماد شاه ولی خان بود .

وقتی تیمور از موضوع آگاه گردید به اتخاذ تصامیمی متوصل شد. در ۱۷۷۳م به انعقاد لویه جرگه پرداخت . این لویه جرگه در ۱۱۸۶م مطابق ۱۷۷۳م ابتدا در قلعهء بختیارالدین (قلعه تاریخی هرات) وسپس در محل گازرگاه هرات ، به دعوت اعلیحضرت تیمورشاه بعد از مرگ پدرش دایر شده،که در آن بزرگان قوم در حضور هزاران تن از باشنده گان هرات تیمورشاه را پادشاه وجانشین احمدشاه انتخاب کردند .

در این لویه جرگه،مجاهدین همکاری خود را برای حمله به فراه ، لشکرگاه و کندهار ابراز وبه همرکابی او آماده گی خود را اظهار کردند . بعد از آن که تیمورشاه وارد کندهار شد شاه ولی خان را به قتل رسانید وقدرت را به دست گرفت،نخستین کار او انتقال پایتخت از کندهار به کابل بود .

تیمور در ۱۷٦۳ در حالی که مملکت پدر را از کشمیر پنجاب وسند تاآمو ومشهد وخراسان حفظ کرده بود،در کابل در گذشت و افغانستان را بایك حالت پر از تشنج مواجه ساخت . چه بعد از مرگ او بود که فرزندان متعدد تیمور برای به دست آوردن تاج وتخت به جان هم افتادند و در مسموم نمودن ، کور ساختن وکشتن یکدیگر شروع کردند . بعد از مرگ تیمور پنجمین پسر او شهزاده زمان به سلطنت رسید . زمان شاه در اثنای فوت پدر نائب الحکومهء کابل بود. او قبل از سلطنت در یك جرگهء که به غرض تعیین جانشین تیمورشاه دایر شده بود و در آن تمام شهزاده گان وطرفداران او اشتراك نموده بودند،به کمك سردار پاینده محمدخان بارکزایی از موقع استفاده وهمه برادران خود را در زندان

انداخت وبدین ترتیب پادشاهی خود اعلان کرد .

سیاست اداری شاه زمان طوری بود که سران قبایل را برای مشوره در مسایل مهم دولتی به دربار خود نگهدارد ، اما معاشات ایشان را قطع وحتی پاینده خان پسر حاجي جمال بارکزایی را که به کمك او پادشاه شده بود نیز بی اختیار ساخت . این حرکت زمان شاه که جهت تحکیم یك دولت مقتدر مرکزی واز بودن قدرت فیودالها بود،منجر به دسایس وتوطئه ها گردید . چنان که سران قوم بریاست سردار پاینده خان رئیس قبیلهء بارکزایی،باهم سازش کردند ، بین هم جرگهء را تشکیل نمودند و در آنجا معاهده را علیه زمان شاه امضاء کردند که مواد آن قرار ذیل است :

۱ - سلطنت افغانستان در عوض زمان شاه به شاه شجاع تفویض گردد .

۲ - انتخاب پادشاه در آینده باید موکول به تصویب سران قوم باشد .

۳ - هرگاه پادشاه انتخابی مطابق به تمنیات و آرزوهای مردم رفتار نکند سران قوم میتوانند او را عزل نمایند .

در این جرگه وزیر بزرگ زمان شاه رحمت الله خان نیز شرکت داشت، این شخص جریانات جرگه را به اطلاع شاه زمان رسانید که در نتیجه همه سرداران به شمول سردار پاینده خان کشته شدند . باکشته شدن سرادر پاینده خان مرد بزرگ وخیر اندیش که محبوبیت زیادی در میان همه طبقات ملت داشت بزرگترین تراژیدی آغاز شد ، ودستگاه سلطنت افغانستان را برای سه ربع قرن با پریشانی های زیادی مواجه ساخت، وآن صدمات جبران ناپذیری به پیکر ملی وتمامیت حدود ارضی افغانستان رسید که موجب تجاوز انگلیسها گردید .



تجاوز انگلیسها وجرگه های افغانی

بعد از مدو جزرهای بزرگ تاریخی سرانجام انگلیسها در طول ماه های ۱۸٤۱ در نقاط مختلف افغانستان چون کوهستان،کوهدامن ، نجراب ، زمین داور ، گرشك ، کندهار ، فوشنج ، قلات ، غزنی ، زرمت ، خورد کابل وخیبر مورد حملات شدید مردم مبارز افغانستان قرار گرفتند،که این ضربات پراگنده ومتفرق بر دشمن خارجی ، فقط مقدمهء یك انقلاب عمومی بود ، که اولین شعلهء آن در نوامبر ۱۸٤۱م در کابل سر کشید .

باید با افتخار متذکر شد که : در تاریخ مملکت ما ، در مواقع بسیار باریك وخطیر که اکثراً نظام حکومتی متلاشی شده ، مردان مجاهد وطن محض به حکم شعور ملی به نفع ملت ومملکت کارهای بزرگی کرده

اند که در اثر آن شیرازهء از هم گسیختهء حیات ملی و دستگاه حکومت دوباره احیاء وثابت شده ونشان داده اند که در نهاد ملت ما ، روح عزم به پیروزی عملی موجود است ، که همیشه در پیچ وخم سختیهای زنده گانی ضامن حیات ملی ما بو ده است . چنانچه در مدت چهار سال سلطهء مشترك شجاع وانگلیس چون ملیون افغانی او را شاه نمیشاختند بالاخره موقتاً نواب محمد زمان خان را به شاهی برگز یدند.

همان طوری که عنعنهء پسندیدهٔ افغانی معمول داشته که در موضوعات مهم وبزرگ ، سران وبزرگان قوم به تشکیل لویه جرگه پرداخته ،وبه حل معضلات خود میپرداختند ،این بار نیز مجاهدین ومبارزین ملی برای نجات وطن از چنگال استبداد واستعمار ، لویه جرگهء ۲۵۷ اِم و ۲۵۸ اِمرا تشکیل نمودند ،که این مجلس بزرگ ملی در تاریخ معاصر افغانستان ،از لحاظ عظمت و تاثیر پذیری بی سابقه بود. زیرا این جرگهء آزادی خواهی ملت افغان بود .

در شب اول نومبر در این مجلس بزرگ یالویه جرگهء تاریخی ما ، رهبران انقلاب ،نقشهء جنگ و بیرون کشیدن دشمن را از وطن ، مورد تصویب قرار دادند .

در این مجلس تذکر داده شد که چون استبداد واستعمار وتجاوز در افغانستان در وجود مکناتن - شاه شجاع وبرنس تجسم نموده که آنها از شیرپور ، بالاحصار ومحلهء خرابات دست بهم داده ،مانند هیولای غیرمریی ولی مدهش بر افغانستان حکمفرمایی میکنندوقوای انگلیس در سیاه سنگ وچونی شیرپور و در قلعه های مختلف حومهء شهر کابل ودیگر ولایات تمرکز دارد ،ودستهء دیگر در سیاه سنگ به نام دستهء شاه شجاع و در حقیقت به امر صاحب منصبان انگلیس باتوپ وتوپخانه ، پیرامون موقف او در بالاحصار افتاده بودند . وضع مالیات تازه واخذ

دسته های جدید عسکری،صرف حصهء از معاش سران غلجایی به منظور تهیهء معاش وتجهیزات نظامی قشون ، نقشهء دستگیری وتبعید روسای متنفذ قوم به هندوستان ، بی باز خواستی ، حق تلفی ، بی امنی ، حقارت شخصی ، تجاوز به مال وجان مردم که از هرکدام بوی استبداد وذلت ملت می آمد ، تااندازهء زنده گی را برمردم تنگ ساخت وذهنیت عامه را از هر رهگذر آماده گردانید که همه ملت باقبول قربانیها حاضر شدند تااین دستگاه را از بین ببرند .

بدین منظور دسته یی از روسا وسران ملت باایمان قوی واعتماد به نفس،بار اول در خانهء عبدالله خان اچکزایی ، در نزد یك عاشقان وعرفان جمع شدند وطرح انقلاب عمومی را ریختند .

قسمی که متذکر شدیم در مجلس بزرگ یالویه جرگهء اول نومبر ۱۸٤۱م، رهبران ملی نقشهء جنگ و بیرون کشیدن دشمن وطن را تصویب نمودند ، در همین شب وظایف رهبران بزرگ معین گردید ونقاط هجوم مشخص شد ، مجلس برای تمرکز اداره ، برادر زادهء امیر دوست محمدخان را که سردار محمد زمان خان نام داشت به حیث رئیس تعیین کرد ، ونیابت او را به امین الله خان لوگری داد که جلسات شان در خانهء نواب محمد زمان خان انعقاد میافت .

همین که جنگ بادشمن آغاز وقضایای نظامی متراکم گردید ، چون اجتماع رهبران انقلاب هر روز ویا هرشب ممکن نبود ، لذا برای ادارهء جنگ وصلح یك مجلس شورای دو از ده نفری تعیین گردید،که مرکز آن در یکی از کوچه های شور بازار بود . این شورای تاریخی توانست که هزارها نفر مجاهد داوطلب ملی را تحت نظم در آورد ، آذوقه رسانی وباروت سازی را تنظیم کند ، جنگ شبانه و روزانه را به هر قوماندان ودستهء او تقسیم نماید،تاتمام راههای ورود غله وعلوقه برای اردوی

انگلیس بسته شود .

روز دوم نومبر در تاریخ افغانستان وهندوستان یك روز عمده است . زیرا در این روز یك امپراطوری بزرگ اروپایی،از مردم یك کشور آسیایی به سختی شکست میخورد . از مشخصات این روز در افغانستان تبارز روحیهء وحدت ملی ، در برابر تجاوز بیگانه است ، دسته های مردم بدون امتیاز نژاد وزبان ومذهب باهم یکجا میشوند ، .البته از جملهٔ هزاران مبارز ملی یاقهرمانان گمنام تاریخ،اشخاص محدودی را در ردیف رهبران انقلاب میتوان در تاریخ کشور نام برد .

این نامهای محدود عبارت اند از،نائب امین الله لوگری ، اسکندر خان بامیرزایی ، ملا احمد برنج فروش ، اکبر خوابگاهی ، آغا حسین ، احمد میرآخور ، حاجی بختیار حسین ، کاکا سیدال خان الکوزایی ، سلطان خان نجرابی ، میر معصوم موسوم به میر حاجی ، میر مسجدی کوهستانی ، نواب محمد عثمان خان ، سردار محمد اکبرخان ، عبدالله خان ، نواب زمان خان وغیره .

این مردمان که نماینده گان حقیقی توده های مردم افغانستان بودند ، در هرجا رهبری قوتهای مبارز ملی را در برابر قوای خارجی به عهده داشتند . این عهده پیش از انعقاد این لویه جرگه ، تحت یك اداره، نظامی وسیاسی متمرکز قرار نگرفته بودند ، وبه شکل دسته های پراگنده بادشمن قوی ومتمرکز خود میجنگیدند ، وهمین عدم تمرکز مبارزین ملی بود که سبب طویل شدن قدرت انگلیسها در وطن ما گردید .

بنابر همین دلیل بود که مردم به زودی به این نقیصه پی بردند ونماینده گان شان در کابل،در صدد تمرکز اداره وقوای ملی بر آمدند ، وبعد از انعقاد لویه جرگه این نقیصه به خوبی حل گردید .

صبح دوم نوامبر ۱۸٤۱م،در حالی که هنوز رفت وآمد در شهر پدیدار

نشده بود چهار نفر از سران قوم یعنی عبدالله خان اچکزایی ، امین الله خان لوگری ، اسکندر خان و عبدالسلام خان در میان جمع محدودی از مردمان شهر به اطراف باغچه وخانهء الکزاندر برنس گرد آمدند . او میخواست مجاهدین ملی را باپول تطمیع کند،چون کارگو نشد،برنس امر فیرداد که در اثر آن بالمقابل افغانها چند نفر انگلیس منجمله برادر زنش چارلیز برنس کشته شدند ومجاهدین خانهء برنس را آتش زدند که شعله های آن را شجاع ، مکناتن و دیگر انگلیسها از بالاحصار شیرپور و سیاه سنگ تماشا میکردند .

جنگ ودفع افغانها به این ترتیب ادامه داشت تا آن که در سال ۱۸۶۸م امیر شیر علیخان دوباره جلوس کرد .

امیر شیرعلی پادشاه روشنفکر وطنخواهبنیان گذار تمدن جدید در افغانستان میباشد،که معاصر انقلاب صنعتی در اروپا بود . او بعد از آن که در ۱۸۶۹م از هند برتانوی بازدید به عمل آورد،علاقه اش به ترقی وتمدن زیادتر گردید ، وتشویق شد تا در داخل کشور دست به یک سلسله اصلاحات داخلی بزند .

لذا امیر شیرعلی خان را میتوان بزرگترین مؤسس مدنیت وتحولات فرهنگی وصنعتی کشور دانست . او بایك حرارت وشور قابل ستایش شروع به کار کرد . دستگاه اداری را تنظیم بخشید ، اولین کابینهء افغانستان را به ریاست صدراعظم سید نور محمد شاه فوشنجی ملقب به لوی مختار تشکیل نمود ، در کابینهء او چوکی های صدارت وزارتهای حربیه ، خارجه ، داخله ، خزانه وسرمنشی امیر موجود بودند . اداره های پوسته ومخابره در کابل ولایات کشور تأسیس گردیدند . شورای دولت مرکب از ۱۳ عضو به وجود آمد . اعضای این شورا به صورت دایمی از طرف امیر انتصاب میگردیدند وبه تمام مسایل اداری مشوره میدادند .

امیر شیرعلی در سال ۱۲٤٤ نماینده گان را از اکثر مناطق وطوایف افغانستان در شهر کابل جمع کرد . این جرگه تحت ریاست شخص امیر شیرعلی خان به اشتراك تمام اراکین دولت دایر ویك سلسله تصامیم اتخاذ نمود ،که تصامیم جرگه توسط فرمان شاهی به اطلاع مردم رسانیده شد. شاملین جرگه،همکاری خود را در مورد رفع مخالفان امیر شیرعلی وتأمین امنیت در مملکت ابراز داشتند وبه این طریق امیر شیرعلی خان توانست باهمکاری ملت مشکلات داخلی را رفع نماید .

در جرگهء ۱۲٤٤ هجری شمسی مطابق ۱۸٦٥م میلاد امیر شیرعلی خان توافق بیش از دو هزار نمایندهء مردم را از اقوام مختلف ترك ، تاجك پشتون وهزاره که در شهر کابل گرد آمده بودند،در تعیین شهزاده عبدالله که (هفت ساله بود) به حیث ولیعهد حاصل کرد که تصمیم این جرگه پایه های سلطنت نامبرده را در برابر برادرانش استحکام بخشود .

موضوع ولیعهدی شاهزاده عبدالله در یگانه جریدهء مطبوع ورسمی افغانستان آن وقت یعنی جریدهء شمس النهار ، در شمارهء دوم سال ۱۲٤٤م.ش رسماً چاپ شد.و دو قطعه وثیقه یکی از وکلای ملت ، دیگری از جانب شخص امیر شیرعلی بدین مناسب ترتیب گردید .

در دوران امیر حبیب الله در زمانی که جنگ جهانی اول - اکتوبر ۱۹۱۵م مطابق ۱۲۹۴ هجری شمسی جریان داشت ، موقعی که هیئت المان ، اطریش ، ترکیه بانامه های ویلهلم دوم قیصر المان ومحمد رشاد خامش سلطان ترکیه وارد افغانستان شده،واتحاد نظامی وباهمی را علیه انگلیس پیشنهاد کردند،امیر حبیب الله شورای دولتی را تشکیل داد ، ویك تعداد علماء و روحانیون را که طرفدار داخل شدن به جنگ بودند نیز در جرگهٔ مذکور دعوت نمود که مجموعاً ٥٤ نفر شدند . در این جرگه که در ۱۹۱٥م مطابق ۱۲۹۴ دایر شد،اکثر مامورین عالیرتبهء دربار به

ناپذیری ، عنعنات و روایات و داستان های محلی نقاط مختلف کشور هم بارزترین صفت وصبغهء ملی در تاریخ سیاسی و اداری کشور همانا لویه لویه جرگهٔ افغانی را میدانند .

وطن ما در طول پنجهزار سال بر اساس یك عنعنهء شریف در مواقع حساس از طریق جرگه های ملی تصمیم گرفته و آرای عامهءخط السیر آن را تعیین نموده است .

آریائیان به این جرگه ها اهمیت خاصی را قایل بودند . آنها عنصر مهم واساسی در تعیین سرنوشت مردم ، خود مردم را دانسته اند . در واقع در وطن ما به نیکوترین وجهی از گذشته های بسیار دور بدین سو دموکراسی واقعی را از طریق این جرگه ها تمثیل نموده است.موجودیت لویه جرگه در افغانستان یکی از خصوصیتهای بسیار خاص مردمان این سرزمین میباشد که ملت افغانستان در بین ملتهای زندهء دنیا آن را به تشکیل خاص ان در درازنای تاریخ حفظ نموده که در ملتها وجوامع دیگری نمیتوان نظیر آن را دریافت .

افغانها همیش کارها وتصامیم مهم ومشکلات بغرنج اجتماعی وقومی خود را ذریعهء جرگهء ها و شوراها حل وفصل نموده اند . البته مسایل وموضوعات عادی، ذریعهء جرگه های قومی،وموضوعات ومسایل فوق العاده بزرگ که به سرنوشت وامور مهمهٔ مملکتی ارتباط داشته ، توسط لویه جرگه های مرکب از نماینده گان ملت حل وفصل گردیده است . در حقیقت لویه جرگه برای ملت افغانستان آزمونگاه بزرگی است که تصامیم وفیصله های آن تعیین کنندهء سرنوشت مملکت ومردمان این سرزمین بوده است و در تضمین حیات اقتصادی اجتماعی وکلتوری،و در نهایت در ساختمان زیر بنایی کشور رول عمده ونهایت اساسی را داشته است .

رهبری سردار نصرالله خان نائب السلطنه،طرفدار روحانیون وطرفدار همین مفکوره بودند.ولی امیر حبیب الله داخل جنگ نشد،وهیئات ترکی والمانی تا ۲۲ قوس ۱۲۹۴ هجری شمسی مطابق ۱۹۱۶م در افغانستان باقی ماندند وبعد بدون کدام نتیجه از افغانستان بیرون شدند .

بعد از این تاریخ،لویه جرگهء در کشور متوقف شد.تاآن که در زمان امیر حبیب الله یك سلسله فعالیتهای سیاسی ، توسط عدهء از روشنفکران بر انداخته شد. این قشر روشنفکر به سه دسته تقسیم میشدند که عبارت بودند از : لیبرالهای درباری که خواهان ریفورم وتحول در داخل رژیم بر سر اقتدار بودند ودر حقیقت جناح محافظه کار روشنفکران را تشکیل میدادند ومتشکل از درباریان واطرافیان امیر بودند .

گروهی دیگر از روشنفکر ان که مرکز شان لیسهء حبیبهء بودوبه تشکیل جریان جمعیت طرفدار سری ملی پرداختند ، مرام این جمعیت/تبدیل حکومت مطلقه به حکومت مشروطه ، حصول استقلال افغانستان ونشر تمدن وفرهنگ جدید در افغانستان بود . اعضای این جمعیت عموماً معلمین خارجی وداخلی بودند ،که ایشان در لیسهء حبیبهء به تدریس اشتغال داشتند . دستهء سوم اشخاصی بودند که نه به لیبرالهای دربار وی ونه به دمکراتهای خارج دربار (جمعیت سری ملی) وابسته گی داشتند .

فعالترین این گروه (جمعیت سری ملی) بود که در بین ایشان اشخاص خون گرم واحساساتی هم موجود بودند که میگفتند؛تحول وانقلاب حتی اگر به بهای ترور وقتل امیر حبیب الله هم تمام شود نه باید فروگذاشت کرد . اما متأسفانه در اثر دسایس عناصر ارتجاعی که درین جمعیت نفوذ نموده بود،موضوع به اطلاع امیر حبیب الله خان رسید واکثر این وطن پرستان و دشمنان ارتجاع داخلی وخارجی کشته شدند وعدهء سالها در سیاه چاههای ارگ محبوس ماندند .

اما هسته‌ء تحول در نفس دربار نشو ونما میکرد. . اصلاح طلبان لیبرال درباری که از روش امیر حبیب الله منزجر بودند و دولت به ایشان حزب جنگ لقب داده بود،در دوران جنگ اول جهانی (۱۹۱٤ – ۱۹۱۸م) بالای امیر حبیب الله فشار می آوردند که جهت حصول استقلال افغانستان،علیه دولت برتانیا داخل اقدام شود.چون قدرت حرکت نداشتند ، جز آن که دور یکی از اعضای خاندان شاهی جمع شوند .

یگانه شخص که در خاندان شاهی مورد توجه لیبرالهای دربار قرار گرفت،معین الدوله شاهزاده امان الله خان بود . امان الله خان جوانی صاحب نظر وترقی خواه ومتجددی بود که آرزوی های زیادی برای ارتقای کشور افغانستان داشت .

در چنین شرایط بود که کودتایی از بالا واز طرف لیبرالهای درباری به عمل آمد،و امیر حبیب الله توسط لیبرالهای دربار به قتل رسید ونصرالله حکومت خود را در جلال آباد در ۲ فبروری ۱۹۱۹م اعلان کرد .

امان الله که از قبل باقشر روشنفکر کشور ارتباط ووابسته گی داشت و لیبرالهای دربار هم از او متابعت میکردند زمام سلطنت را به دست گرفت .

لویه جرگه های عصر امان الله خان

تشکیل لویه جرگهٔ عمومی به نام اتحاد مشرقی

بعد از آن که امور اداری وتشکیلات حکومتی مشرقی همه تحت نظم ونسق درآمدهٔ و روح وحدت و یگانه گی در کالبد اقوام به دمیدن شروع نمود ، عمارات ... ن ولایت تا اندازهٔ آباد ومسایل اداری مرتب گردید ، سپهسالار محمد نادر حسب وعده ، عموم سادات ، علما ، مشایخ واعیان مشرقی را جهت تعیین وظایف آتیهٔ شان ومقرر داشتن تکالیف وخ... هر قوم وقبیله در موقع آغاز جنگ مکرر افغانستان وانگلیس به یك مجلس عالی یالویه جرگهٔ اتحاد مشرقی، ذریعهٔ مکاتیب خصوصی واعلانهای رسمی که به تعداد مکفی طبع ونشر شده بود، دعوت نمود ومتذکر شد که : تاحال به ختم سال ۱۲۹۸ فقط یکماه باقی مانده است، انگلیس علاوه بر این که استقلال افغانستان را که در اثر مبارزات

شرافتمندانهء مردمان این سرزمین آنرا حاصل کرده ایم رسماً تصدیق نمیکند ، فقط خواهش متارکه وافتتاح باب مذاکرات رانمود است،وبه دیگر شرایط باشرفانهء افغانستان نیز تمکین نمیکند . در عین زمان به تهیهء تدارکات نظامی وبه تجهیزات حربی خود مشغول است وخود را آمادهء جنگ آینده میسازد .

در این صورت حتمی و ضروری است که ماهم محض جهت اتمام سلسلهء مذاکرات وحصول همه مطالب وتمنیات خود به پیمانهء بسیار وسیع ،حساس ومستحکم در مقابل تعرض ومقابلهء دشمنان خارجی خود آمده گی بگیریم ، و روح جهاد را تقویه کنیم ، تااگر از طرف دشمن ما اندك خطر ویا بی پرداختی در اعطای حقوق مشروعهء ما دیده شود ، باید که شدیدتر از پیش تر در راه آن دفاع ومقاومت ، وبه شجاعت فطری واصول مذهبی خود همه مطالب حقهء خود را تأمین ومحافظه کنیم .

به موجب این دعوتنامه ، اعیان و تمام وکلا ومعاریف و بزرگان سرحدات به مرکز مشرقی واصل گردیدند .

مجلس کبیر ملی

در ده روز اول ماه حوت ۱۲۹۸ بعد از اجتماع عامه ، مدعوین در ظرف یك هفته به تکمیل رسیدند و از وصول دعوت نامه ها همه وکلا گرد هم جمع و در هدهء مشرقی به میدان همجوار زیارت نجم المشایخ ، این مجلس عالی اتحاد مشرقی ، یالویه جرگهء ۱۲۹۸ را منعقد وراجع به حفظ شان وشرف اسلامی بیانات موثر از طرف وزیر حربیه محمد نادر و دیگر روحانیون ایراد ، ومراتب شوق وعلاقهء عمومی راجع به حرب

ومجاهدات ایراد ، وتقاضا جدی در تکمیل تمام مطالب مشروعهء ملت افغان،عموماً از طرف تمام اقوام وقبایل طوایف وعشایر سرحدی به حکومت افغانستان پیشنهاد شد ، تاجواب اخیر حکومت انگلیس را به خود حاصل نمایندوبه وی خاطر نشان کنند که در صورت عدم پذیرفتن خواهشهای ملت افغان ،البته جهاد برما فرض وما به مجردی که از شانه تهی کردن حکومت استعماری انگلیس در برابر این مطالبات مشروع خود مطلع شویم ، خود را در سرتاسر سرحدات مشرقی از اسمار گرفته الی پاره چنار، داخل کارزار میشویم ، در این صورت آتش حرب در سرحدات جنوبی ومغربی افغانستان تکراراً افروخته خواهد شد و واضع که مشکلات زیادتری را تولید میکند .

خلاصه صورت مفصل مطالب مورد بحث در لویه جرگه مورد مطالعه قرار گرفت،وتوسط بیانیهء مهیج و زیر حربیه محمد نادر، تایید وتصدیق روحانیون به یك جوش وخروش وخوشی زیاد در میان تکبیر وتسبیع از طرف عامهء اشتراك کننده گان مجلس به اکثریت مطلق به تصویب رسید .

در حاشیهء قران پاك در مورد فداکاری وجان نثاری در راه تمثیل وانفاذ این قراردادها ، باتعیین صورت تکالیف و ذمه داری های هر قوم راجع به امور تعرضی و دفاعی،هر یك معاذ تعهد کردند ، وهر کدام شان تعداد نفر وشمار مجاهدین و سرکرده گان وعلمبرداران را ، از ذواتی که در نزد عامهء مردم صاحب قرب وعزت بودند ، معرفی کردند .

از طرف محمد نادر برای علمبرداران ومشاوران هر قوم ، یك تفنگچه که بر آن اسم همان قوم ومعاذ وخدمت آن منقوش بود ، باانعامات کافی اعطا ، ویك یك علم افغانی که بر آن آیاتی به نیات فرضیات وعظمت جهاد ، ومراتب عظیم جنگیدن در راه خدا (ج) ، واعتلای کلمة الله

مرسوم بود ، اعطا شد .

- به یادگار ویاد آوری از این مجلس بزرگ تاریخی ، یك اخبار در مرکز ولایات مشرقی بنام اتحاد مشرقی ، به منصهء اشاعه گذاشته شد که رسم همان علم اتحاد را در عنوان خود داشت . این اخبار در اثر مقررات همین مجلس انتشارات خود را تدویر وتکرار میکرد ، و روح وحدت واخوت و شجاعت ، وتأمین حقوق وحیات باشرف را به مردم اعطا وجذبات شریف روح آزادی خواهی وحریت پسندی را در ملت تزریق ، وجبن وخوف را در زنده گانی ، تقبیح میکرد ، وملت را از همه مجاری امور در هر هفته دو بار اطلاع میداد،واز مضامین دلنشین خود همه قارئین خود را مطلع ومشوق میساخت .

وقتی این یاد داشت اقوام وطوایف مشرقی وسرحدی به حکومت انگلیس رسید ، در حالی که قبلاً به ذرایع متعدد ، از این جذبات فنا ناپذیر واحساسات وطن دوستی وحریت طلبی مردمان افغان که در راه به دست آوردن آزادی منجمله دیگر برادران افغانی خود ، از هیچ گونه فداکاری وجانثاری دریغ نمیورزیدند ، خود دولت بریتانیا اطلاع داشت ، باآنهم علی الفور در اوائل حمل ۱۲۹۹/ه.ش افتتاح سلسلهء مذاکرات را سر از نو ومسأله تدقیق نمودن مطالبات افغانستان را به میان آورده خواهش آمدن یك هیات اصلاحی را در موضع میسوری هندوستان نمود .

هیات از مرکز برای گفت وشنود تعیین،وبا تشریفات واختیارات مخصوص ، عازم آن سرزمین شد . مگر بازهم انگلیس نگران اوضاع جریانات عمومی افغانستان مخصوصاً ولایات مشرقی وحواشی سرحدی وطرز عمل حکومت بوده ، حل وفصل مذکرات صلح را به هر صورت ممکنه که میتوانست به تطویل کشانیده ، شدیداً در انتظار بود که این جوش وخروش ساکت شدنی است یاخیر .

اما جای مسرت وشکران است که جوش وخروش ملی ومساعی واجرآات حکومت در ضبط وربط عسکری ما هیچ یك بینظمی دیده نشد و در همه طبقات ملکی ونظامی حرارت وصمیمت نهایی مشاهده میشد .

در ختم این مبحث باید متذکر شد که جرگهء ۱۲۹۸ بعد از استرداد استقلال افغانستان در زمان اعلیحضرت امان الله غازی در هدهء جلال آباد دائر گردید . قسمی که تذکر داده شد در این جرگه راجع به اصلاحات امور اداری ، بسط در توسعهء معارف وتشکیلات مهم دولتی مخصوصاً اتفاق ، اتحاد قبایل ، مباحثات ومذاکراتی صورت گرفت .

اما هدف اصلی واساسی آن را موضوعات مملکتی وسیاسی تشکیل میداد ،که در رأس آن مطالبات مشروع افغانستان قرارد اشت . قسمی که مطالعه نمودیم در آن زمان دولت بریتانیا در برابر اکثر خواسته ها وتقاضاهای افغانستان ، سکوت اختیار نموده بود ، وامتیازات لازم را که مربوط ومنوط به استقلال وتمامیت ارضی این کشور بود و فرزندان فداکار این وطن که آن را به بهای خون خود به کف آورده بودند برای شان قایل نبود .

از آنجایی که عنعنهء شریف پنج هزار سال قبل این مرز بوم ، برای نسلهای مابعد نیز میراث ، ومشوره را در مسایل بزرگ که به سرنوشت همه گانی این ملت تعلق داشته تعیین نموده ، بازهم مردم ما از طریق لویه جرگه به حل مطلب پرداخته ، وبعد از مباحثات زیاد تصمیم نهایی جرگه بران شدء که اگر تقاضای افغانستان بیشتر از این ملتوی بماند دوباره آتش جهاد در سراسر کشور مشتعل خواهد گردید .

بالاخره افغانستان استقلال سیاسی خود را حاصل کرد ویك فضای دموکراتیك در کشور پدید آمد .

در چنین فضای سیاسی و دموکراتیك بود که دولت ریفورمها

وتحولات خود را به مرحلهء اجرا در آورد . دولت به وسیلهء شورای دولت وکابینه و وزراءوجرگه های کبیرولویه جرگهء سمت مشرقی ۱۲۹۸ هـ.ش لویه جرگهء (۱۳۰۱ هـ.ش)،لویه جرگهء پغمان (۱۳۰۳ هـ.ش)،لویه جرگهء پغمان (۱۳۰۷ هـ.ش) قوانین متعددی در موضوعات مختلف وضع ونافذ گردید . از قبیل قانون القاب ، قانون تذکرهء نفوس ، تعمیرات دولتی ، تفریق وظایف حکام و مامورین دولتی ، قانون تقاعد ، قانون تشویق صنایع ، قانون بندی خانه ها ، قانون تحصیلی ، قانون تربیهء ایتام ، تعلیمات نامهء نظامی ، زراعت للمی ، قانون خدمات عسکری ، قانون فروش املاك دولتی ، قانون قونسلگری ، قانون قریه داری ، قانون محاکم شرعی ، قانون تجارت ، قانون تعزیه داری ، قانون مکاتب خانه گی ، قانون مطبوعات وغیره قوانین که در راس آنها (نظام نامهء دولت علیه افغانستان) وقانون اساسی افغانستان قوار داشت .

خلاصه بعد از آن که اعلیحضرت امان الله زمام امور را به دست گرفت ،اصلاحات و ریفورمهای دامنه داری را روی دست گرفت،و در مواردی که ایجاب دایر کردن جرگه را مینمود،به تشکیل جرگه ها پرداخت . چنانچه در (۱۳۰۱ هـ.ش - ۱۳۰۳ هـ.ش) لویه جرگه یی را دایر و درآن موضوعات مورد علاقهء حکومت را مطرح ساخت . همچنان در (۱۳۰۷ هـ.ش) که اعلیحضرت امان الله سفری به خارج از کشور نمود،با مشاهداتی که از آنجا به عمل آورد ، بامفکوره های جدید وپلانهای جدید به وطن عودت کرد ، و در نتیجهء یك سلسله مشکلات ، لویه جرگه یی را دایر نمود . البته هر جرگهٔ که در یك مقطع معین تاریخ دورهء سلطنت امان الله خان انعقاد یافته ، یا برای رفع مشکلات بوده ویا این که قانون اساسی از مجرای آن به تصویب رسیده است .

لویه جرگه به حیث مجلس موسسان :

برای اولین بار در زمان امیر امان الله در سال ۱۳۰۱ هـ ش قانون اساسی در لویه جرگه تصویب شد . بدین ترتیب لویه جرگه به شکل مجلس موسسان در آمد ، وقوانین اساسی بعدی افغانستان هم توسط لویه جرگه ها تصویب گردیدند . از آنجایی که لویه جرگه های (۱۳۰۱ هـ ش) و (۱۳۰۳ هـ ش) روی عین نظام نامه اساسی بحث کرده اند آنها را درد وفصل از نظر میگذارنیم .

مطالعهء لویه جرگهء

۱۳۰۱ هـ ش

این لویه جرگه به تاریخ ۷ حوت ۱۳۰۱ هـ ش در جلال آباد دایر شد . چون موقع انعقاد مجلس مذکور مصادف به ایام زمستان بود ، واحضار تمام وکلا ونماینده گان ملت افغانستان مشکلات زیادی را ایجاد میکرد تنها به وکلای منتخبهء شان که در مجلس شورای دولت شمولیت داشتند ، اکتفا شد . اعلیحضرت امان الله قبلاً توقع برده بود ، تا فی هزار ، یکنفر را انتخاب نموده به سراج العمارت بفرستند،تا با مامورین وسایر بزرگان ، اشراف وسادات را جع به امور مهم وحیاتی ملت ومملکت باهم صحبت ومشوره نمایند .

بروز ۸ حوت ۱۳۰۱ هـ ش لویه جرگه به شمول نماینده گان سادات ومشایخ،علما ، ووکلا و وزراء ومامورین خاصتاً نماینده گان سمت مشرقی در سلامخانهء سراج العمارت منعقد گردید . در این لویه جرگه از طرف امیر امان الله خان جهت رفع کشیده گیهای بین الاقوامی ، به

رسم عنعنهء قومی سنگی به نام سنگ صلح گذاشته شد ، بعداً ضمن بیانات پیرامون مفاد قوانین دولت ونظامنامه ها چنین ایراد نمودند : خوشبختانه مجلس شورای ملی ما در این ایام به ترتیب وتدوین چند موادی از نظامنامهء اساسی موفق شده اند . ما میخواهیم کارها را به حضور شما حاضرین مجلس عرض کنیم تا در مواد و مفردات آن اعتراض ، بحث وتنقیدی اگر داشته باشید آزادنه بحث کنید . پس از آن رئیس عمومی شورای دولت،لایحهء را که در آن سواد قواعد نظامنامه مسطور بود قرائت نمود وحضار هم آزادانه نظریات وپیشنهادات شان را در هرماده اظهار مینمودند . بعد از رای گیری بالای نظامنامهء اساسی ، به صورت یك کل یکتعداد نظامنامه ها واصولنامهء پیشنهاد شدهء حکومت به تصویب رسید . در این لویه جرگه که ۸۷۲ نفر نمایندهء اشتراك داشتند .

اعلیحضرت امان الله خان مردم را به اتفاق واتحاد دعوت نموده ، ونظریات حکومت را در مورد اصلاحات اداری ، معارف ، صحیه ، امور عمرانی وغیره به سمع مشمولین جرگه رسانید .

پس از آن بنابر ارادهء شاه فیصله گردید ، تاهمه ساله مجلسی به این کیفیت در مرکز دارالسلطنهء کابل انعقاد یابد ، واز تمام نماینده گان مردم دعوت گردد ، تاایشان از علاقداریها ، حکومتیها ومرکز نایب الحکومه‌گیها به مرکز کابل فرستاده شوند تالویه جرگه ، در اثر اشتراك ایشان شروع به فعالیت کند و در راه پیشبود امور داخلی وخارجی مملکت وهمچنان در جهت ارتقاء وبهبود ملت ومملکت سهم گیرند .

در این لویه جرگه موضوعات به اساس اکثریت آراء فیصله میگردید ، ونظامنامهء دولت افغانستان یعنی اولین قانون اساسی مطلوبه ، از مجرای همین لویه جرگهء ۱۳۰۱ به تصویب رسیدهءکه

این جرگه ها در تاریخ افغانستان به گذشته های بسیار دور ارتباط میرساند . چنانچه در عصر آریائیان انتخاب پادشاه به مشوره ٔ روسای قبایل و بزرگان صورت میگرفت،در انتخاب شاه دو مجلس که بنام سیمیتی وسبها یاد میشدند رول عمده داشتند،چنانچه سرودهای ویدی و اوستایی مطالب بالا را تائید میکنند .

همچنان وقتی سکندر به آریانا حمله کرد ، روسای قبایل مختلف آریانای باستان دور هم گرد آمدند Busses آمر باختر را در طی یك جرگه به ریاست هم قبول و آماده ٔ دفاع از میهن گردیدند .

تاریخ افغانستان در گذرگاه زمان گرفتار مد و جزرهای زیاد پیچیده است . در زمان میرویس نیکه برای اولین بار اصطلاح لویه جرگه به کار برده شده و جرگه ٔ بزرگی در قندهار دایر و در آن فیصله به عمل آمد تا گرگین که از طرف دربار قاجاری ایران بر قندهار مقرر شده بود،از آنجا رانده شود . بعد از آن در سال های ۱۱۱۹ - ۱۲۱۶ - ۱۲۵۳ - ۱۲۹۸ نیز لویه جرگه های دیگری دایر گردیدند وبه تعقیب آن در سالهای ۱۳۰۱- ۱۳۰۲ و ۱۳۰۷ نیز لویه جرگه دایر شد .

آخرین لویه جرگه قبل از استقرار نظام جمهوری محمد داود در کشور،لویه جرگه یی بود که به تاریخ ۱۸ سنبله ٔ ۱۳۴۳ غرض غور بر مسوده ٔ قانون اساسی وتصویب آن دایر گردید .

اولین لویه جرگه بعد از استقرار نظام جمهوری به تاریخ ۱۰ دلو ۱۳۵۵ در کابل دایر گردید که در پهلوی تصویب قانون اساسی جدید افغانستان اولین رئیس جمهور افغانستان نیز انتخاب گردید .

مزیت لویه جرگه از آن جا است که افغانها هر فیصله ٔ را که در جرگه به اکثریت قبول گردد پشتیبانی نموده طرفداری از آن را وظیفه ٔ ملی خود میشمارند ، حتی کسانی که در اقلیت هم باشند . حالانکه در

متعاقباً در جرگهء کبیر ۱۳۰۳ پغمان مجدداً تائید وامضاء گردید .

این قانون اساسی برای اولین بار تشکیلات دولت افغانستان را تا حدودی از هم مجزاومشخص ساخت وباکمی تغییرات بااقتباس از قوانین اساسی دنیای سرمایه داری ، سه قوه را پیشبینی کرد که عبارت بودند از : قوهء اجرائیه ، مقننه وقضائیه،که در راس همه شاه قرار داشت و دارای صلاحیتهای وسیع بود .

گرچه این قانون اساسی مانند سایر رژیمهای پارلمانی مربوط به سیستم سیاسی لیبرالیزم ، اختیارات شاه را محدود ساخته بود،اما بازهم در جامعهء آن روز افغانی وبا شرایط پادشاهان وامرای سابق فرق بارزی داشت ، ومیتوان آن را یك قدم به جلو ویك تحول خواند . این قانون اساسی دارای ۷۳ ماده بود که در پهلوی آن نظامنامهء تشکیلات اساسی افغانستان در ۱۳۰۰ به وجود آمد وبار دیگر در سال ۱۳۰۲ با پارهء تعدیلات نافذ شد ، که دارای ۲٤۳ ماده بوده ونظام بر سر اقتدار افغانستان را تابع قانون ومقررات ساخته وموسسات سیاسی آن را پیشبینی کرده بود .

لویه جرگهء سال

۱۳۰۳

قسمی که مطالعه شد در سال ۱۳۰۱ لویه جرگه در جلال آباد تشکیل داد و در آن تصامیمی اتخاذ گردید . چون دولت از فیصله ها وتصامیم آن نتایج قناعت بخشی حاصل نمود،بناءً تصمیم گرفت که بعد از آن بازهم به تشکیل جرکه ها پرداخته وآرای نماینده گان ملت را در اجرای امور طلب کند .

به همین اساس در سال ۱۳۰۳ هـ ش، بازهم لویه جرگهء تشکیل شد، وشاه در روز افتتاح این جرگه خاطر نشان کرد : این خادم ملت محض برای بهبود مملکت رفاه ملت ومفاد دولت باشما مشوره مینماید. چیزی که در این موضوع به افکار تان خطور میکند آن را آزادنه اظهار نمائید، زیرا در نیکنامی وبدنامی،عزت وذلت افغانستان عزیز همهء ما وشما شرکت داریم.

باآنهم از جریان لویه جرگهء ۱۳۰۳ هـ ش وموضوعات مطروحهء در آن معلوم میگردد که شاه خواسته است در مورد سیاست خارجی خود، وتطبیق نظامنامه های که از طرف دولت روی دست گرفته شده بود،نظر نماینده گان ملت را جلب واز این طریق رفع مسؤلیت کرده وبا دادن شکل دموکراتیك به فیصله ها وتصاویب جرگه،خصوصیت جرگه را نشان دهد.

اصولنامهء وظایف داخلی لویهء جرگهء سال ۱۳۰۳ هـ ش

از آنجایی که پروگرام احضار نماینده گان ملت در مجلس لویه جرگه، که محل اجلاس وموضوعات مورد بحث، ایام کار، صورت رأی دهی وغیره مسایل مربوط به لویه جرگه، قبلاً به صورت دقیق سنجیده شده بود، قبل از انعقاد مجلس لویه جرگه لایحهء بنام لایحهء تنظیمیهء مجلس لویه جرگه، برای مشمولین لویه جرگه غرض آگاهی وپیشبینی توزیع شد که در آن نکات آتی به نظر میخورد :

الف : در مورد چگونه گی ورود به مجلس لویه جرگه وکسانی که میتوانستند در آن اشتراك کنند:

۱ – در مجلس لویه جرگه اشخاصی که برای مجلس لویه جرگه

دعوت شده اند داخل میشوند .

۲ - از مامورین داخلیه (ملکی) الی سرکاتب واز صنف عسکری الی کندکمشران شامل مجلس شده میتوانند .

۳ - اخبار نویسانی که تکت اجازه داشته باشند ، تنها برای سمع شامل شده میتوانند ولی حق تکلم ندارند .

٤ - در مجلس اخذ موقع مطابق ترتیب نقشه میشود .

۵ - غیر از مدعوین هیچ کس شامل مجلس شده نمیتواند .

ب : در مورد شیوهٔ مباحثه :

۱ - در ابتدای هر مجلس رئیس به الفاظی (بنام خداوند « ج » آغاز میکنم) افتتاح کلام مینماید وبعد از آن به اجازهٔ رئیس ، منشی مجلس لایحهٔ مورد بحث را قرائت میکند .

۲ - در انتهای هر مجلس ، مواد مذاکرهٔ مجلس فردا ، از طرف رئیس به اعضای مجلس به ذریعهٔ اوراق علیحده توزیع میشود .

۳ - بعد از آن که موضوع قرائت شد ۲ دقیقه سکوت محض بوده ، بعد هرکسی توضیحات میطلبد از طرف رئیس ویا بنا بر امر رئیس ، از طرف همان وزیری که لایحه اش زیر بحث است ، توضیحات داده میشود . بعد از آن هرکس اعتراض داشته باشد ، ویا بخواهد نظر بهتری را ارائه کند ، بعد از گرفتن اجازه از رئیس مجلس ، استاده شده نظر خود را مدلل بیان میکند والا سکوت مینماید .

ج : در مورد طرز رأی گیری :

۱ - در ابتدای مجلس ، دو دودانه مهرهٔ سفید وسیاه برای هر فرد اعضای مجلس تقسیم میشود . حینی که مسأله یی قرائت شد، کسانی که طرفدار همان مسألهٔ قرائت شده باشند دانهٔ سفید ، واگر در جهت خلاف آن قضیه باشند،دانهٔ سیاه را در صندوقهای که به دست

افرادی که به همین منظور مد نظر گرفته شده و در مجلس برای اجرای این در گردش اند، انداخته میشود ، وموضوع از روی اکثریت آراء فیصله میشود .

۲ - مسایلی که تصویب میشوند ، بنابر اکثریت آراء قید وضبط میشود ، و در مجلس به قدر لزوم کاتب واسباب تحریر موجود میباشد .
ناگفته نماند که به غیر از کسانی که در این قسمت از آنها ذکر نمودیم اشخاص دیگری به هیچ صورت شامل مجلس شده نمیتوانند ، در روزهای که اعلیحضرت امان الله شامل مجلس میشود صدارت مجلس مفوض به ایشان است :

د : در قسمت آداب مجلس : .

۱ - در مجلس بدون آب چیزی خورده نمیشود .

۲ - تاشخص بیانات خود را تمام نکرده است از طرف دیگران تصویب ویا تردید نمیشود .

۳ - هرکس رئیس را مخاطب ساخته آغاز به کلام میکنند اگر چه جواب دیگری را بگوید .

٤ - غیر از مذاکراتی که در مجلس میشود ، دیگر الفاظ رکیك و خارج بحث استعمال نمیشود .
طعن وشتم وخنده، نامناسب وبیجا ، کاملاً وقطعاً ممنوع است ، مرتکب چنین افعال از طرف رئیس اخطار واسکات میشود .

۵ - در اثنایی که مذاکرات شروع میشود اظهارات مسایل شخصی قطعاً ممنوع است .

ترکیب اعضای لویه جرگهء سال

۱۳۰۳ هـ ش

در این مجلس لویه جرگه مجموعاً ۱۰۵۲ نفر شرکت نموده بودند که از جمله ۲٤۱ نفر منصوب به دولت بودند.یعنی اشخاص بودند،که در ادارات دولتی کار میکردند ، ومتباقی نماینده گانی بودند که ما مور دولت نبوده واین دسته مرکب بودند از : خوانین ، وکلا ، مشایخ ، سادات ، علما وکلای منتخبه ووکلایی که از ولایات غرض اشتراك در این مجلس آمده بودند . از مناصفهء وکلای منتخبهء علاقه داریها حکومتها ، مرکز نایب الحکومه گی وحکومتهای اعلی ، تعداد معینی از سادات ، علما ، مشایخ ، بزرگانی ونماینده گان که مطابق فرمان دولت از هر محل انتصاب میشدند .

مراتب ذیل تعداد وکلای ولایات را در این لویه جرگه نشان میدهد :

از ولایت کابل	۱٦۸۱ نفر
از ولایت هرات	۱۰٤ نفر
از ولایت قطغن وبدخشان	۷٤ نفر
از ولایت میمنه	۳٦ نفر
از ولایت ترکستان	۷۲ نفر
از ولایت کندهار	۱۳۷ نفر
از ولایت فراه	٤٦ نفر
از ولایت مشرقی	۱۱۰ نفر
از ولایت جنوبی	۲۹ نفر

موضوعات مطروحه وتصاویب این جرگه :

مجلس لویه جرگهء ۱۳۰۳ هـ.ش که بانطق وبیانیهء اعلیحضرت امان الله رئیس مجلس به روز ۲۸ سرطان ۱۳۰۳ هـ.ش در صیفیهء پغمان آغاز گردید، روی مسایل ملی وبین المللی استوار بوده،و اتکای بیشتر روی معاهداتی داشت که افغانستان باکشورهای خارجی بسته بود .

در یک قسمت بیانیهء خود اعلیحضرت امیر امان الله خان فرمودند : معاهداتی را که تاکنون دولت متبوعهء تان ، بادول خارجی منعقد نموده ، سراپا برای تان خوانده میشود ، تا برهر ماده وهر فقرهء آن اگر تنقیدات واعتراضاتی داشته باشید ظاهر کنید ، وهم اگر تعدیل ویاتزئیدی را ایجاب میکرد ، بر آن غور شود .

در ایام جلسات لویه جرگهء ۱۳۰۳ هـ.ش این معاهدات برای نماینده گان ملت قرائت گردید ، ونظر شان را در زمینه خواستار شدند ، که البته در جریان بحث روی معاهدات اعتراضاتی از طرف نماینده گان ملت صورت گرفت،به روی هر معاهده بحث مفصل شده وزمانی که مطلوبیت معاهده برای ملت افغان واضح میگردید،بتائید آن میپرداختند،معاهداتی که در این جرگه روی آن بحث به عمل آمد عبارت بودند از :

۱ – معاهدهء افغانستان و روسیهء شوروی .

۲ – معاهده بین افغانستان وایتالیا .

۳ – عهدنامهء افغان وانگلیس .

٤ – معاهده بین افغانستان وترکیه .

٥ – معاهده بین افغانستان وایران .

٦ – معاهده بین افغانستان وفرانسه .

۷ - معاهده بین افغانستان والمان .

۸ - معاهده بین افغانستان وبلژیك .

۹ - خواهش قایم ساختن مناسبات افغانستان باجاپان .

لویه جرگه در اطراف هریك از این معاهدات که با هریك از دولی که امضاء شده بود مباحثه به عمل آورد . مباحثات زیادی در زمینه صورت گرفت وسر انجام اعضای مجلس لویه جرگهء ۱۳۰۳ از اقدامات حکومت امانی در مناسبات خارجی کاملاً اظهار امتنان نمودند .

موضوعات داخلی :

امیر امان الله بعد از تصویب موضوعات خارجی گفت : شکر گذارم خدای را که به یاری او بحث وفیصله یی در مورد خط مشی سیاسی کشور عزیز از طرف شما وکلای لویه جرگه تصویب گردید .

از این جهت لازم میدانم که برای آگاهی شما تمام قوانین ونظاماتی را که تاحال ترتیب وتدوین شده و در مهمات مملکتی تمسك ودلیل انگاشته میشوند ، از خلص مندرجات واحکام مربوطهء آن خودم به شما معلومات میدهم به هر کدام از آنها که شما مشتبه باشید ، لطفاً بیرون نویس کرده متعاقباً در مورد آن نظریات وافکار تان را آشکار نمائید ، تا در مورد آن اصلاحات وتعدیلاتی صورت بگیرد،والبته حکومت وهیات عالی لویه جرگه در اصلاح آن خواهند پرداخت .

سپس رئیس شورای دولت تمام نظامنامه ها را خوانده وتشریحات لازم از طرف امیر امان الله به اعضای مجلس لویه جرگه داد ه میشد ، لویه جرگه بالاخره مسایل آتی را مهم دانسته آن را در اجندی مجلس شامل ساختند :

۱ - نظامنامهء اساسی .

۲ - نظامنامهء نکاح وختنه سوری .

۳ - نظامنامهء تعزیه داری .

٤ - نظامنامهء محصول مواشی .

٥ - نظامنامهء للمی ومالیه .

٦ - نظامنامهء نفوس .

۷ - شرایط قبولیت عوضی ، عوض شخصی که اسمش به قرعهء خدمت عسکری اصابت میکرد .

۸ - مبحث محصول گمرکی .

و در قسمت مابقی آن ، چنان اظهار نظر وعقیده نمودند ، که دیگر نظامات متعلق به امور سلطنتی وایجابات سیاسی ، ترتیبات اداری ولوازم مملکتی است ، وما هرگز در آن امور مداخله نمودن را جایز نمیدانیم . ولی به اثر اصرار جدی امان الله خان ، این نظامنامه را اعضای لویه جرگه خواندند وتصویب نمودند .

این نظامنامه در واقع اولین قانون اساسی مکتوب در افغانستان میباشد که بعد از به دست آوردن آرای دو لویهء جرگهء سمت مشرقی به ارادهء دولت جدید افغانستان به تصویب رسید ، ونخستین بار به تاریخ ۲۰ حمل ۱۳۰۲ ه.ش در مطبعهء دایرهء تحریرات مجلس عالی وزراء طبع گردید ، وهمچنین در لویه جرگهء پغمان ۱۳۰۳ ه.ش در محضر وکلا ومعاریف وهمه مردم افغانستان عیناً قرائت گردید ، وبالاخره به تاریخ ۸ دلو ۱۳۰۳ ه.ش به امضاء پادشاه رسید . این قانون اساسی برای اولین بار تشکیلات دولتی افغانستان را تاحدودی از هم مجزا ومشخص ساخت که شاه دارای صلاحیتهای وسیع بود .

نظامنامهء مذکور حاکی است از وحدت افغانستان ، عدم قابل تفریق

بودن کشور ، مقام دین اسلام وموضوع پایتخت افغانستان که شهر کابل باشد .

همین طور در این نظامنامه ، انتخاب صدراعظم از طرف شاه ومحاکمهء وزراء هم تصریح گردیده است . علاوتاً این نظامنامه ، شورایی را به نام شورای دولت پیشبینی کرده که آزادی قضا را از هرگونه مداخله تائید میکند .

میتوان ادعا کرد که قانون اساسی ۱۳۰۱ که در لویه جرگهء ۱۳۰۳ دوباره تصویب وتائید گردیدهقانون اساسی بالنسبه مترقی و دموکراتیك و دارای اساسات نوین برای پیشرفت وتکامل جامعهء افغانی بود . وزمینهء آن را مساعد میساخت تا افغانستان بتواند قدمهای نخستین را در جهت ترقی وتعالی بر دارد ، این قانون اساسی دارای ۷۳ ماده بود که در پهلوی آن ، نظامنامهء تشکیلات اساسی افغانستان دارای ۲۴۳ ماده ونظام بر سر اقتدار افغانستان آن روزراتابع قانون ومقررات ساخته ومو سسات سیاسی آن را پیشبینی کرده که برای مردم ما نوید بخش یك افغانستان مترقی بود .

تشکیلات شورای دولت :

اعضای شورای دولت عبارت بودند : از اعضای طبعیه و اعضای منتخبه .

اعضای طبعیهء شورای دولت به قدر لزوم توسط شاه انتخاب میگردید . همچنان به اساس ماده (٤۷) قانون اساسی ، مامورین ملکی از نایب الحکومه الی حکام اعلی ، واز منصبداران عسکری الی رتبهء لوامشر ، وقتی از ماموریت دولت سبکدوش شده باشند ، به استثنای اشخاصی که در حال محاکمه باشند به حیث عضو طبعیهء شورای دولت الی تعیین ماموریت شان انتصاب شده میتوانستند .

اعضای منتخبهء شورای دولت توسط اهالی ومردم برای سه سال در شورای دولت انتخاب میشدند ، که تعداد شان به ۵۲ نفر میرسید .

انتخاب تعداد اعضای منتخبهء شورای دولت در سه مرحله صورت میگرفت . نخست تمام کلانها ومو سفیدان به هر کوچه یاگذر (در مرکز ایالت یاحکومت اعلی) در مسجد محل خود اهالی را جمع کرده ، وبه ایشان میگفتند،از بین خود شخصی را که دارای خصایل حمیده بوده وبه نزد اهالی متهم وبه نزد دولت باقیده نباشد ، وبرای دولت مالیات بدهد یکنفر را انتخاب نمائید . به این ترتیب از تمام محلات وکوچه ها اشخاص انتخاب میگردیدند .

در دورهء دوم اشخاص انتخاب شدهء فوق در یکجا جمع شده، از میان خود از مرکز ولایت چهار نفر،از دیگر ولایات وحکومتهای اعلی دو دو نفر انتخاب نموده ، وانها را در مرحلهء سوم بانماینده های انتخابی که از حکومتهای کلان وعلاقه داریهای که راساً به ولایت ویا حکومت اعلی مربوط بودند یکجا مینمودند . در این اجتماع اشخاصی که تعداد شان را (مادهء ۲٤٠) قانون تشکیلات اساسی افغانستان پیشبینی کرده بود انتخاب شده وبه مرکز کابل به شورای دولت فرستاده میشدند ، باقی نماینده گان که در این اجتماع میماندند مجلس مشورهء ولایت ویا حکومت اعلی را تشکیل میکردند .

به اساس ماده سی ونهم نظامنامهء دولت علیه افغانستان در هریك از نایب الحکومه گیها وحکومتهای اعلی وحکومتهای درجه اول ودرجه سوم وعلاقه داریها یك یك مجلس مشوره موجود بود،اعضای مجلس به دو قسم بودند،اعضای طبعیه واعضای منتخبه (قاعده ۱۱۳ - نظامنامه تشکیلات اساسی افغانستان) .

اعضای طبعیهٔ مجالس مشوره عبارت بودند : از مستوفی ، مدیر

پارلمان ها و مجالس مؤسسان ممالك ديگر موضوع چنان نيست، و در اين مجالس كسانى كه در اقليت واقع ميشوند در صدد تخريب ميبرايند .

بنا بر همين برترى لويه جرگه به مجلس مؤسسان ديگو ممالك وخاصيت دموكراتيك آن لازم بود در قوانين اساسى به حيث يك اورگان متشكلهء دولت در نظر گرفته شود .

به تأسى از همين مفكوره براى بار اول قانون اساسى ۱۳۴۳ لويه جرگه را به حيث يك اورگان متشكلهء دولت معرفى نموده ، تركيب اعضاء وتشكيل آن را توضيح نمود .

قانون اساسى كه از طرف لويه جرگه تاريخى ۱۰ دلوه ۱۳۵۵ تصويب گرديد يك فصل آن به خصوص در مورد لويه جرگه تخصيص داده شدءكه اين قانون،صلاحيتها واختياراتى را به لويه جرگه تفويض كرد كه به اهميت ونقش آن در حيات سياسى و اجتماعى افغانها افزوده است .

با درنظر داشت تذكرات فوق ديده ميشود كه لويه جرگه ها آهسته آهسته از يك مجلس مشوره به يك مجلس موسسان تغيير شكل داده‌است .

در اخير متذكر ميشويم كه لويه جرگه هاى افغانى سمبول تاريخى اتحادءيگانه گى و وحدت ملت افغانستان است . مردم ما به خاطر دستيابى به بزرگترين مظاهر مادى ومعنوى وبراى نيل به يك زنده گى مرفه وابرومند در اجتماع ، وطريق رسالت مندى هاى تاريخى خود از راه اين جرگه هاءبه شورا ومشوره پرداختهءوباجهش محسوس وموافق باشرايط عصر وزمان برمعضلات وارده خود — فايق آمده وحيات سياسى خود را به شكل بهتر وخوبترى تنظيم نموده اند .

پوهنوال محبوبه
استاد پوهنځى حقوق و
علوم سياسى پوهنتون كابل

مکتب ، مدیر معارف ، مدیر گمرك ، مدیر زراعت و مامور امور خارجه .

اعضای منتخبه عبارت بودند : از نماینده گان اهالی ومردم که در هر علاقه داری، حکومت کلان وحکومت اعلی و ولایت، از طرف مردم انتخاب میشدند . چنانچه قاعدهء (۱۱٤) نظامنامهء تشکیلات اساسی افغانستان مشعر است (برای انتخاب اعضای منتخبهء مجلس مشورهٔ ولایت، جمع کسانی که به دولت مالیه داده باشند از مردمان صاحب حیثیت واعتبار اهالی مرکز ولایت وشهرهای که مراکز حکومتها میباشد ویا از جملهء روسای قبایل بزرگ ، چنان یك یك نفر را که به دولت مالیه ده باشد از هر حکومتی کلان وحکومتی انتخاب نموده به مجلس مشورهٔ نایب الحکومه میفرستادند، واعضای منتخبهٔ مذکور در تحت ریاست نایب الحکومه وحاکم اعلی اجتماع نموده از میان خود شان یك نفر را برای نماینده گی در شورای دولت انتخاب میکنند .

طرزالعمل انتخاب وتشکیل مجلس مشورهء علاقه داریء

در هر علاقه داری مربوط به حکومتهای کلان وحکومتهای درجه اول ، دوم ، سوم ، اهالی در یکجا جمع شده از جمله کسانی که به دولت مالیه میدادند، وبه حسن اخلاق وخصایل حمیده معروف میبودند، ونزد اهالی متهم نبوده وباقیات ده دولت نمیبودند، چهار نفر را انتخاب میکردند . این چهار نفر بعد از انتخاب شدن اجتماع نموده از بین خود ، یك نفر را به نماینده گی خود انتخاب نموده ، به حکومت کلان وحکومتهای درجه اول ، دوم ، سوم که علاقه داریهای مذکور به آن مربوط بود میفرستادند . سه نفر باقی مانده ، اعضای منتخبهٔ مجلس مشورهٔ همان علاقه داریها را تشکیل میداند .

طرز انتخاب وتشکیل مجلس مشوره، حکومتی :

حکومتهایی که هیچ علاقه داری مربوط به آنها نبود ، ویا صرف یک علاقه داری داشتند ، اهالی از بین خود چهار نفر را انتخاب نموده ، واین چهار نفر از بین خود یک نفر را نماینده، خود تعیین کرده ، به حکومت کلان یاحکومت اعلی ویا ولایتی که به آن مربوط بودند ، میفرستادند ، وسه نفر باقیمانده که از علاقه داری مربوط شان آمده بودند ، مجلس مشورۀ همان حکومتی را تشکیل میکردند . اگر حکومتی دارای علاقه داریهای متعدد میبود ، اهالی این حکومتی دو نفر انتخاب کرده بانماینده گانی که از علاقه داریهای مربوط اش می آمدند یکجا شده ویک نفر را به حیث نماینده، خود به مجلس مشوره، حکومت کلان ویااعلی ویا ولایتی که بدان مربوط بودند ، میفرستاند باقیمانده نماینده گان حکومتی مجلس مشوره همان حکومتی را میساختند .

طرز انتخاب وتشکیل مجلس مشوره، حکومتهای کلان :

اهالی حکومتهای کلان چهار نفر را از میان خود که دارای خصایل حمیده بوده و به دولت مالیات میدادند وبه نزد مردم متهم نبوده ، وباقی ده دولت نمیبودند،انتخاب نموده وبا نماینده گانی که از حکومتهای مربوط حکومت کلان می آمدند اجتماع نموده و دو نفر را از بین خود انتخاب وبه مرکز حکومت اعلی ویا ولایتی که باآن مربوط بودند میفرستادند ، باقی نماینده گان مجلس مشوره همان حکومت کلان را تشکیل میدادند .

طرز انتخاب وتشکیل مجلس مشوره، ولایت کلان ویا حکومت اعلی:

کلانترانی که در مرکز ولایات ویا حکومت اعلی موجود بودند، اهالی منطقه وکوچهء خود را جمع کرده، ویا ایشان میگفتند: که از میان خود شخصی را که به دولت مالیه بدهد وبه خصایل واخلاق حمیدهٔ متصف باشد انتخاب نمایند. بعد از این که مردم نماینده گان خود را به شرایط فوق انتخاب میکردند تمام نماینده‌گان ولایت ویا حکومت اعلی اجتماع نموده، واز بین خود در ولایت کابل چهار نفر، ودر سایر ولایات وحکومات اعلی دو دو نفر را انتخاب میکردند. نماینده گان متذکره بااشخاصی که از حکومتیهای کلان وحکومتیها وعلاقه داریهای که راساً به ولایت وحکومت اعلی مربوط بودند اجتماع نموده ونماینده گان را برای شورای دولت انتخاب میکردند. باقیمانده در ولایت ویا حکومتی اعلی مجلس مشورهٔ همان منطقه را تشکیل میکردند که مدت وکالت در مجالس مشوره سه سال بود.

صلاحیتهای مجالس مشوره:

صلاحیت مجلس مشوره در امور اداری به شکل تقنینی تبارز نکرده است وچنین صلاحیت نمیداشته باشد. صرف مجالس مشوره در اداراتی چون بلدیه ها، امور مالیه، امور ملکیه وامور انظباطیه پیشنهاداتی برای نایب الحکومه ها میکردند.

فقراتی که مجالس مشورهء ولایات ومحلات به حضور نایب الحکومه ها پیشنهاد مینمودند آنچه از اختیارات نایب الحکومه وحاکم بود خود شان، هرگاه فوق اختیارات شان میبود به وزارت متعلقهء همان شعبه ارجاع میکردند. در وزارت مربوطه اگر لازم میبود اجرا والا اگر فوق

صلاحیت تصور میشد به حضور شاه تقدیم میداشتند.اگر از وظایف مجلس وزرای بود به مجلس وزراء ارجاع میشد .

اگر فیصلهء حکومت روی پیشنهادیهء مجلس مشوره،قناعت مجلس مشوره حاصل نمیشد ، مجلس مشوره میتوانست عرض حوائج خود را به شورای دولت بنماید .

علاوه به صلاحیتهای فوق مجالس مشوره بر اساس ماده (۴۲) نظامنامهء اساسی دولت افغانستان دارای وظایف ذیل بود :

الف : برای ترقی صناعات ، تجارت ، زراعت و معارف همه تکالیفی راکه لازم ببیند به دولت عرض نماید .

ب : در خصوص مالیات و محصولات و دیگر معاملات حکومت اگر مخالف نظامنامه ها معامله نمایند به مقصد اصلاح این چنین امور به حکومت عرض نموده میتوانند .

ج : اگر در حقوقی که مطابق این نظامنامه برای اهالی داده شده از یکطرف اخلال ملاحظه نمایند صلاحیت عرض واستغاثه را دارند .

در مورد محاکمهء مامورین توسط مجالس مشوره باید گفت : هرگاه مامورین دولت از حدود وظایف ومسؤلیتهای خود منحرف میشوند وجرایمی را در چوکات اداره مرتکب میگردند ، مرحلهء ابتدائیهء محاکمهء شان در مجالس مشوره صورت میگیرد،در حالی که مراحل مرافعه وتمیز از صلاحیتهای شورای دولت است که قبلاً یاد آور شدیم .

در نتیجه باید بگوییم باوجود که مجالس مشوره وشورای دولت دارای تشکیلات مشابه بوده وتقریباً دو جزء از یك کل میباشند باز هم صلاحیتهای مجالس مشوره نسبت به شورای دولت ، خیلی ناچیز بوده ، و در مجموع هر دو زیر نفوذ مستقیم قوهٔ اجرائیه وشخص شاه قرار داشتند .

لویه جرگهء سال

۱۳۰۷ هـ.ش

عوامل تشکیل این لویه جرگه :

بعد از آن که در سال ۱۳۰۷ هـ.ش اعلیحضرت امان الله سفری به خارج از کشور نمود ، بامشاهداتی که از آن قسمتها به عمل آورد ، بامفکوره ها وپلانهای جدید به وطن دعوت کرد و در نطقها وبیانیه های خود واضح ساخت که باید در برخی موارد اقدامات اصلاحی صورت بگیرد . از جمله خاطر نشان ساخت که زن یانیمهء نفوس مملکت تاهنوز بی تعلیم مانده ونتوانستنه اند ، در پهلوی برادران خوددر عمران کشور سهم لازمه بگیرند . باید در مورد توجهء لازم به عمل آید ، واز استعداد زنان که نیم از نفوس مملکت را تشکیل داده اند در آبادی کشور استفاده صورت گیرد ، بناءً لویه جرگهء ۱۳۰۷ هـ.ش دایر نمود . شاه در این جرگه توضیح نمود که باوجود خدمات ارزندهء که برای کشور خود انجام داده تا

آن زمان نتوانسته است، عدالت را به معنی واقعی آن برقرار سازد. شاه نخست عوامل این نارساییها را یك یك بیان نمود ، وسپس راههای اصلاحی آن را پیشنهاد کرد . یکی از آنها به طور مثال موضوع پذیرش وفرستادن عوض در خدمت عسکری بود، که شاه بر آن انتقاد نموده خواستار تجدید نظر شد. این نارسایی و مسایل مشابهی دیگر سبب شد که شاه لویه جرگه را به منظور وارد آوردن اصلاحات لازمی در این ساحه، وتعدیلات ضروری در نظامنامهء اساسی افغانستان، دایر نماید .

در لویه جرگهء ۱۳۷۱ هـ.ش موضوعات آتی مطرح بحث قرار گرفت :

١ - تبدیل شورای دولت به شورای ملت .

٢ - طرز انتخاب ، مدت انتخاب ، وتعیین تعداد وکلاء .

٣ - راپورهای کار واجراآت وزارتخانه ها .

٤ - انسداد راههای رشوت .

٥ - مدت خدمت عسکری .

٦ - نشانهای دولت والقاب .

٧ - تعیین جزا برای اشخاص مفسد .

٨ - تعیین سن ازدواج .

٩ - تعیین ولیعهد .

١٠ - تعیین الوان بیرق افغانستان .

یکی از موضوعاتی که در این مجلس از طرف شاه مطرح بحث قرار گرفت رشوه ستانی بود . شاه یکی از عوامل آن را اختیار تام قضات وحکام دانسته چنین گفت : به نظر من، صلاحیت کامل در قسمت رها نمودن محبوسین، دروازه های رشوت را به روی حکام باز میکند .
بناء شاه درخواست کرد تا در این مورد کدام مادهء قانونی وضع شود ، که حق صلاحیت این موضوع به اکثریت آراء تصویب گردد .

در موضوع جلوگیری از رشوت پیشنهاداتی به عمل آمد ، بدین ترتیب :

۱ - ایجاد دفتر دخل وخرج برای هر مامور .

۲ - تعیین وتحدید تعداد ملازمین برای مامورین در وقت سفر .

۳ - وضع قانون مفصل برای استخدام و ترفیع مامورین ، که به اساس آن فرق بین مامورین صادق و خاین صورت گرفته بتواند .

٤ - مکلف گردانیدن مامورین به نسبت قید نمودن اموال منقول و غیر منقول شان در دفتر سوانح شان .

۵ - تادیهٔ سفر خرچ به مامورینی که از یك جای به جای دیگر تبدیل میشوند .

٦ - سنجش معاش مامورین از طرف شورای ملی ، و در صورت لزوم پیشنهاد افزایش آن به حکومت .

۷ - تعیین جزای قانونی برای رشوت دهنده ورشوت گیرنده .

۸ - باید مطبوعات آزادی داشته باشد تا از این راه ، جلو رشوت گرفته شده بتواند .

این پیشنهادات مورد تائید اعضای لویه جرگه قرار گرفت . و همچنان سپری کردن خدمت زیر بیرق برای مدت سه سال به صورت اجباری تعیین گردید ، بدون آن که عوض ویا پرداخت پول قبول گردد . در مورد اعطای نشانها ومدالها،شاه چنین گفته بود : (اگر دولت نشان بدهد آنهم مخصوص کسانی خواهد بود که در محاربات عسکری جانفشانی های فوق العاده از خود نشان داده اند که به نام تقدیر ویادگار شهامت ، این چنین اشخاص میتواند نشان بگیرند) .

بعد از غور ومباحثه در این موضوع فیصله گردید که همه نشانهای دولت،به استثنای نشان (استقلال حربی) از بین برده شود . بعد مسأله دیگر راجع به القاب تحت بحث قرار گرفت وآنهم فیصله گردید که باید

لغوه شود .

موضوعات مطروحه وپیشنهاد شده ٔ دیگوی که مورد بحث قرار گرفته عبارت بود از تعیین سن ازدواج ، تعیین ولیعهد وتعیین رنگ بیرق افغانستان . در مورد تعیین سن ازدواج چنین پیشنهاد شد که مرد قبل از سن (۲۲) ، و زن قبل از (۱۸) نبایست ازدواج کند . این موضوع بعد از بحث ومذاکره ٔ لازمه از طرف لویه جرگه تائید گردید .

درموضوع تعیین ولیعهد ، شاه چنین توضیح داد که چون قانونی اساسی صلاحیت تعیین ولیعهد را به من وتصویب مجلس بزرگ ملی داده بناءً من رحمت الله را به حیث ولیعهد پیشنهاد نموده واز اخلاق او اطمینان میدهم . این پیشنهاد از طرف مجلس به تصویب رسید .

روی موضوع الوان بیرق افغانستان بحث صورت گرفته وچنین فیصله به عمل آمد : که رنگهای بیرق افغانستان سیاه ، سرخ وسبز باشد ، ونشان بیرق کوهها ، وخورشید در حال طلوع از پشت آنها باشد . در این نشان کوهها علامه ٔ کوهستانی ، وطلوع آفتاب نشانه ٔ ترقی بوده ، وطلوع اقبال افغانستان را نشان میدهد . بالای نشان اسم مقدس (الله و محمد) نگارش یابدودر اطراف آن گوشه گندم ، که علامه ٔ تاریخی جغه ٔ احمدشاه بابا است استقرار داده شود . باید متذکر شد که بعدها در نتیجه ٔ توطئه ودسایسی که دشمنان اعلیحضرت امان الله در غیابش به راه انداخته بودند ، بین شاه ولویه جرگه تصادم واقع شد ، که به اثر آن وکلا از وی آزرده شده ومتفرق گشتند ٔ واین کار به سقوط سلطنت او منتهی گردید .

لویه جرگهء سال

۱۳۰۹ هـ.ش

عوامل تشکیل این لویه جرگه:

همه بر این حقیقت واقف استیم که ملت افغانستان از قرنها بدین سو ، در دوره های مختلف تاریخ ، به اساس رسوم وعنعنهء ملی وتاریخی خود ، امور مهمهء اجتماعی ملی ومملکتی خویش را ، از طریق جرگه ها فیصله کرده است ، وبه تأ سی از همین عنعنهء خجسته ، اعلیحضرت محمد نادر لویه جرگه را در سال (۱۳۰۹ هـ.ش) دایر و در بیانیهء خویش انعقاد آن را پیروی از یك سنت اسلامی وافغانی معرفی کرده واهمیت مشوره را بسیار مهم دانست .

در لایحهء که در مورد انعقاد لویه جرگه به نشر رسید ، چگونه گی اعضای جرگه ، محل اجلاس جرگه ، وقت کار ، سیستم رأی گیری ورأی دهی وآداب مجلس حسب آتی تشریح شده بود :

۱ - رئیس اول جرگه شخص اعلیحضرت محمد نادر میباشد .

۲ - ریاست دوم این جرگه را صدراعظم به عهده دارد .

۳ - منشی مجلس ، سرمنشی حضور اعلیحضرت غازی است که با منشیان و مخفف نویسان جریانات مجلس را تحریر میکند .

٤ - محل انعقاد جرگه تالار کلان قصر ستور میباشد .

٥ - مجلس از ساعت ۱۰ قبل از ظهر الی ساعت ۱۲ ، و از ساعت ۳ عصر الی ٥ عصر دوام خواهد کرد،و تمام اعضای مجلس بایست در ساعت معینه حاضر باشند .

٦ - تکت شمولیت جرگه برای وکلای جرگه ، مامورین وزارتها و دوائر مستقل الی درجهٔ مدیر واعضای ریاست شورا و جمعیت العلما اعطا میشود،و بدون تکت شمولیت احدی به مجلس شامل شده نمیتواند .

۷ - افتتاح مجلس از طرف شاه صورت میگیرد .

۸ - مسایل به اکثریت آراء فیصله میگردد .

۹ - اتخاذ رأی به صورت دست بالا کردن است .

۱۰ - در صورت مساوي بودن به هر طرف که رئیس اول شامل باشد ترجیح داده وتصویب شود .

۱۱ - از مامورین هیچ کس حق رأی و بحث را ندارند جز به امر و اجازهٔ رئیس اول جرگه .

۱۲ - کسانی که میخواهند رأی بدهند لازم است به جای خود استاده باالفاظ مؤدب اظهار رأی کنند وبعد از ختم کلام خود ، باید به جای خود بنشینند،رد ویا تصدیق منفرداً شنیده میشود .

نگاه کوتاه به تاریخ جرگه ها

همانطوری که ملل وجوامع بشری از خود تاریخی میداشته باشند و در تمام جوامع تغییرات وتحولات متداوم سبب ارتقاء ویا اضمحلال یك گروه وتسلط گروه دیگر میشوند ، یا یك ملت توسط ملت دیگر مغلوب میشود و زیر تسلط اجنبیها قرار میگیرد ، جامعهء افغانی هم از این تغییر وتحول کنار نمانده و در جریان تاریخ مراحل مختلف تاریخی را گذشتانده است .

باید متذکر شد که قدیم ترین نامی که در کهن گاهان بر این سرزمین اطلاق میشد آریانا بود . چندین هزار سال پیش شاخهء از قبایل هند و اروپایی که ابتدا در جوار سرچشمهء اکسوس یا آمو،وبعداً در سند وباختر ظهور نموده بودند ، به دوطرف هندوکش منتشر شده خود را آریا

اداب مجلس :

۱ – در مجلس مسایل شخصیهٔ مذاکره نمیشود . تنها لایحهٔ که از طرف دولت یا نسبت مفاد عمومی که راجع به افغانستان باشد از طرف وکلا روی آن بحث وفیصله میگردد . کسانی که موضوعات شخصی یاخارج از موضوعات مذاکرهٔ مجلس داشته باشند به روزهای غیر مجلس عرایض خود را به حضور صدراعظم تقدیم کنند.

۲ – جریده نویسان در موضوع معین موجود میباشند .

موضوعات مطروحه وتصاویب این جرگه ،

مجلس توسط بیانیه محمد نادرشاه افتتاح شد که در قسمت بیانیه آمده است :

عزیزانم!همواره وطن عزیز ما معروض انقلابات گوناگون خواهد بود ، روح پدرها وبزرگان ما که این وطن اسلامی را به خون خود حفاظت وامانت به دست ما سپرده اند ، نگران اوضاع وحرکات ما فرزندان وبازمانده گان بوده ، وانتظار دارند که اینها چطور به وطن خدمت وبه ملت خود صداقت ، ونسلهای آیندهٔ خود را صاحب مغفرت سازند . باید ما روح آن مرحومین را باخدمت وفعالیت خود شاد ، و وطن خود را آباد ، و فرزندان خود را صاحب اعتبار ساخته از پامالی وبی وقاری فارغ سازیم .

همهٔ تان در یکجا نشسته و دردها را تشخیص و دوای آن را تجویز کرده ، واز راه اخوت واتحاد وهمدردی ، باهمدیگر پیش آمده و در خدمت وطن جدی بوده فعالیت خود را پیشهٔ خود قرار دهید ، تاچشم داخلی وخارجی از شما حذر کرده ، از تعدی وتجاوز آنها ایمن بوده ، هیچ

یک روحیهء خراب نسبت به شما نشان ندهند . وظیفه شما است که دایماً نظریات خیر اندیشانهء خود تان را نسبت سعادت مملکت وخیر مملکت وخیر حکومت پیشنهاد کنید،وبه طرز عمل ورفتار نایب الحکومه ها وحکام حتی شخص خودم صرف دقت نمائید . به شما توصیه میکنم که باکمال مواظبت حقوق مشروع خود را حفظ کنید ، وخائنین وطن را هر که باشد ، مورد سرزنش قرار دهید ، وبکوشید که این وطن اسلامی خود را به مراتب بلند وسعادت برسانید .

پس از نطق فوق،جرگه شروع به بحث ومشوره نمود که در پهلوی بحث روی لایحهء انتخابات شورای ملی ، مسایل دیگر هم در این جرگه بحث شده وتصامیمی اتخاذ گردید که نکات عمدهء آن عبارت بودند از :

۱ - لایحهء انتخابات شورای ملی .

۲ - تعداد وکلای مجالس مشورهء ولایات وحکومات اعلی و کلان .

۳ - نشان رتبه والقاب در افغانستان .

٤ - الوان بیرق افغانستان .

٥ - در مورد نامه های امان الله خان .

لویه جرگه بعد از غور ومباحثه روی موضوعات بالا تصمیم ذیل را در مورد اتخاذ نمود :

۱ - لایحهٔ انتخابات از طرف حکومت مورد اجرا قرار داده شود .

۲ - تعداد وکلای مجلس مشوره (۹۳) نفر بوده و انتخابات مطابق انتخابات شورای ملی صورت گیرد .

۳ - نشانها رتبه والقاب در افغانستان مطابق لایحهٔ مخصوصیهٔ آن وضع واجرا گردد .

٤ - الوان بیرق افغانستان،سیاه ، سرخ و سبز وعلامت آن محراب و منبر ، فیتهء خوشهء گندم بوده واین علم ، علم مبارک ملی

دانسته شده ، وکلا وعده مینمایند که زیر سایهء آن برای دفاع وطن وحفظ شرف وناموس خود فداکاری خواهند نمود ، وتا آخرین دقایق حیات وآخرین نفر ، آن را به احترام دیده ، در حفظ آن جانهای خود را نثار خواهند کرد .

۵ - نامه های امان الله خان ، دربارهء عواید املاك خود او در افغانستان بود .

این جرگه در ضمن رد درخواست امان الله خان ، اقدام حکومت را در قسمت ضبط دارایی او ستوده واز حکومت خواستار شدند ، تا آن قسمت از داراییهای افغانستان را که امان الله باخود برده از وی حصول نموده به خزانه دولت تحویل دهند .

از جملهء مصربات این لویه جرگهءانتخابات مجلس شورای ملی بود که نکتهء اساسی بحث این مجلس کبیر را تشکیل میداد و قابل توجه بیشتر پنداشته میشد که لایحهء مربوط آن دارای هفت فصل و ۲۹ ماده بود .

شورای ملی :

اساس این مجلس بنابر تصویب لویه جرگهء ۸ سنبله ۱۳۰۹ در افغانستان گذاشته شد . شورای ملی مجلس بود مرکب از نماینده گان منتخبهء ملت که از ولایات حکومات وعلاقه داریها انتخاب میگردیدند . تعداد وکلای مجلس ۱۰۶ نفر ومدت نماینده گان وکلا برای نماینده گی سه سال تعیین شده بود . اعضای شورا میتوانستند مکرراً انتخاب شوند . اصول اساسی دولت علیه افغانستان شورا ملی را در اظهار رأی شان از هرگونه اعتراض مصؤن دانسته بود و وظایف شورای ملی مسایل آتی را احتوا میکرد :

۱ – انتخاب رئیس اول و دوم مجلس با هیات تحریر .

۲ – تصویب بودجهء مملکت ، بعد از ترتیب پیشنهاد وزارت مالیه .

۳ – تصویب تغییر وفسخ قوانین ووضع اصولنامه های جدید .

٤ – اعطای امتیازات تشکیل کمپنیها از هرنوع که میبود .

٥ – تصویب اعطای انحصار چه برای داخلی وچه برای خارجیها .

٦ – تصویب استقراض دولت چه از داخل وچه از خارج .

۷ – تصویب هرنوع قانونی که جدیداً وضع میگردد قبل از توشیح شاه .

لویه جرگهء سال

۱۳۲۰ هـ ش

باآغاز جنگ جهانی دوم وتوسعهء آن ، مالك جهان بامشکلات زیادی روبرو گردیدند،وحتی ممالکی که در دسته های متخاصم شامل نبودند بازهم از اثرات سوء آن در امان نماندند . ساحه ء این جنگ روز به روز وسعت اختیار نموده،وحتی دامنهء آن به آسیا کشانیده شد .
افغانستان که همیشه سیاست خارجی اش براساس صلح وبیطرفی استوار بوده است ، در آن زمان بامشکلاتی روبرو گشت ومسایلی بروز کرد که نزد یك بود پای این کشور هم به جنگ کشانیده شود .
در آغاز جنگ حکومت بریتانیه که موجودیت یك عدهء کوچك المانها وایتالویهارا در افغانستان منافی منافع خود میپنداشت وبه زعم خود ، آنها را خطرناك میدانست به واسطهء سفارت خود در کابل پریشانی خود

را به حکومت افغانستان گوشزد کرد . بعد از حملهء المان نازی بالای اتحاد شوروی در ۱۹٤۱م، اتحاد شوروی وانگلستان پیش از پیش اندیشهء خود را نسبت موجودیت المانها وایتالویها در افغانستان اظهار کردند .

نشر یك ابلاغیه از طرف آژانس نیمهء رسمی اطلاعات هندوستان تا اندازهء نظر انکلیسها را در مورد المانها وایتالویهای مقیم کابل تردید نمود ، اما بعد از ۲۰ روز جراید انگلیسی وهندی به زعم خود شان نسبت به تحریکات اتباع المان در افغانستان وخطرات ناشی از این تحرکات سخن راندند ، وبه تاریخ ۱۷ میزان سفیر انگلیس وبه تاریخ ۱۹ میزان سفر کبیر شوروی ، اخراج المانها وایتالویها را دوستانه ورسماً به نام حکومات شان از افغانستان خواهش کردند . در طی مذاکرات ، مقامات افغانی باحکومت انگلیس تعهد کرد که ایتالویها والمانها را از کابل مرخص سازد وطیارات انگلیس آنها را صحیح وسالم به اوطان شان خواهند رسانید .

در اینجا در ارتباط به علاقهء شدید افغانستان مبنی بر حفظ موقف بیطرفی در جنگ عمومی دوم ، بیان یك رویداد لازم است ، وآن این که در افغانستان سالها قبل از آغاز جنگ عمومی دوم جهانی یك تعداد متخصصین المانی وایتالوی در شقوق مختلفه به صفت معلم ، انجنیر ، مهندس وغیره استخدام شده بودند . انگلیسها وروسها که مسلماً از وجود شان در افغانستان احساس ناراحتی مینمودند ، در اکتوبر ۱۹٤۱م از حکومت افغانی تقاضا اخراج آنها را نمود . حکومت افغانی با در نظرداشت اصل همجواری نیك بامتحدین ، وبا در نظرداشت این که متخصصین مذکور را صحیح سالم به اوطان شان برسانند حکومات روسیهء شوروی وانگلیستان این تقاضا را پذیرفتند، واتباع

جرمن
المان وایتالوی به تاریخ ۸ - ۹ عقرب ۱۳۲۰ سرحد افغانی را عبور کردند .

بعد از این واقعه ، حکومت در صدد آن شد تاغرض تعیین خط مشی سیاسی آیندهٔ مملکت نظر نماینده گان مملکت را خواستار شود .

به تاریخ ۱٤ عقرب لویه جرگه را دایر و در آن به غور و مباحثه پرداختند .

اعضای این جرگه مرکب بودند : از وکلای منتخبهٔ ملت، اعضای شوری ملی ، مجلس اعیان ، ومجلس وزرا، ، مامورین عالی رتبهء ملکی تادرجهء مدیر عمومی ملکی ، صاحب منصبان ارشد عسکری تارتبهء غند مشر .

در مورد تعداد اعضای این لویه جرگه معلومات لازم به دست آمده نتوانست . وتنها در بارهء تعداد اعضای شورای ملی ونماینده گان منتخبهء ملت معلومات به دست آمد که ترکیب آن چنین بود :

الف : اعضای شورای ملی ؛

اعضای شورای ملی که عضویت لویه جرگه را داشتند تعداد شان به (۱۰٦۰) نفر میرسید وبه سه سن از طرف اهالی انتخاب میگردیدند .

ب : وکلای منتخبهء ملت؛

این نماینده گان یك صد وشش نفر بودند واز هر ولایت حکومت اعلی ،وقبایل کوچی ،مطابق لایحهء انتخابات قرار ذیل انتخاب میگردیدند :

۱ - از ولایت کابل	۲۲ نفر .
۲ - از ولایت کندهار	۱٦ نفر .
۳ - از ولایت هرات	۱۲ نفر .
٤ - از ولایت فراه	۱۰ نفر .

٥ - از ولایت قطغن وبدخشان ١٣ نفر .

٦ - حکومت اعلی مشرقی ١٢ نفر .

٧ - حکومت اعلی جنوبی ١٠ نفر .

٨ - حکومت اعلی فراه ٣ نفر .

٩ - حکومت اعلی میمنه ٥ نفر .

١٠ - از قبایل کوچی ٣ نفر :

بیانیهء اعلیحضرت محمد ظاهرشاه به لویه جرگه :

عزیزانم ! من بامحبت وصمیمت زیاد همهء تان را خوش آمدید میگویم وخوشحال استم که بزرگان ملت خود را برای بحث ومشوره در چنین یك مجلس باهم گرد میبینم .

عزیزانم ! اجتماع شما در مرکز از دو لحاظ و دو وجه اهمیت دارد . یکی آن که شخصاً من آرزو داشتم که نماینده گان وبزرگان ملت خود را که ممثل احساسات وآرزوهای همه مردم هستند ملاقات نمایم ، و دیگر این که چون اوضاع جهان نسبت نائرهء این جنگ عالم سوز که مدت دو سال از آن میگذارد خیلی بحرانی است ، بناء گرد آمدن این چنین جمعیتی احساس میگردید . شما میدانید که در اثر این جنگ در مدت بسیار کم تغییرات بسیار بزرگ نه تنها در اوضاع جغرافیایی جهان ، بل که در تمام ساحات زنده گی پیش گردیده است . جنگ محارب وغیر محارب همه را یکسان متأثر ساخته است .

گذشته از آن از مدتی بدینسو جنگ از غرب وشرق رخ نهاده ، وآن ممالکی را که بیش از این از تأثر جنگ خود را کنار گذاشته بودند ، به صدمات زیادی مواجه ساخته است . بنابر همین ملحوظ ضرورت احساس شد ، تا افغانستان که همیش در شرق موقعیت مهمی را حایز بوده است ، و در ساحهء مناسبات خارجی خود ، صلح وبیطرفی را همیش تعقیب

کرده است در این موقع حساس نیز باید خط مشی سیاسی کشور درست شود .
بناءً ملت وحکومت افغانستان که هیچ وقت یکی از دیگری خود را جدا احساس نمیکنندءو در تمام مسایل جزئی وکلی باهم متحد ویک دست هستند ، ضرورت افتاد گردهم جمع شده ، تبادل افکار نمایند ، ونظربه همین ملحوظ است که امروز همه دور هم جمع شده ومن این جرگه را به نام خداوند بزرگ افتتاح مینمایم،واز خداوند مهربان آرزو میکنم که تصامیم این جرگهء بزرگ باعث سعادت ورفاه این خاك پاك گردد . ملت وحکومت ما ،از برکت اتفاق وهمدستی باآن افتخارات وسعادتی که آرزوی من است برسند ، واز اتفاقات بدروزگار مصؤن باشد .
سپس رئیس دوم جرگه محمد هاشم صدراعظم ، وزیر امور خارجه را به جرگه معرفی کرد ، واو در اطراف سیاست افغانستان در مدتی که دنیا در آتش شعله های لهیب جنگ غوطه وربود چنین توضیحات داد :
وقتی جنگ عمومی دوم شروع شد ، افغانستان متوجه شد به هرحال در یك وضع آرام وقابل اطمینانی باقیمانده نمیتواند . لهذا افغانستان مجبور شد که مراقب اوضاع بوده،وبیطرفی خود را از هر جهت حفظ کرده بتواند . باوجود اظهار بعضی جراید خارجی از طرف روسیه شوروی خطری برای افغانستان نبود ، ولی وضع انگلیسها معلوم نبود ، واطمینان موجود نبود که ایشان چه وضع به مقابل افغانستان اختیار خواهند کرد . افغانستان بهتر میدید روابط خود را به صورت همه جانبه باهر دو طرف حفظ کند ، وچون دول اروپای مرکزی،علاقه مند به پیشرفت افغانستان دیده میشدند از متخصصین آنها در امور ساختمانی کشور استفاده میکرد ، ویك اندازه روابط تجارتی خود را باآنها استوار نمود . اما نزدیك شدن جنگ وکشمکش کشورهای بزرگ بالاخره افغانستان را متوجه ساخت که بیشتر متوجه سیاست خارجی خود باشد .

نتیجه آن شد که افغانستان علایق خود را بادول مذکور نیز به صورت دوستانه نگهدارد . تااین که در زمان جنگ که افغانستان سیاست بیطرفی خود را اعلان کرده بودوبازهم بادول اروپای مرکزی روابط آن برقرار بود ، از شر انگلیسها مطمئن گردید ، زیرا انگلیسها بعد از اعلان بیطرفی افغانستان اطمینان پیدا کردند که از طرف افغانها ، در سرحدات هند وافغانستان به مقابل آنها اقدامی نخواهد کرد واین باعث شد تاانگلیسها دست به کاری نزنند که موجب مشکلات بین انگلیس و افغانستان ویا موجب مشکلات افغانستان گردد .

اما با شروع جنگ کارهای عمرانی واقتصادی که در کشور شروع بود رو به معطلی گذاشت وامکانات استفاده از متخصصین خارجی نیز محدود گردید .

البته از طریق رادیو همه مردم ما آگاه شدند که سفیران انگلیس و روسیه شوروی اخراج یك عده از المانها وایتالویها را که در افغانستان مصروف خدمت بودند خواستار شدند ومتذکر گردیدند که وجود ایشان قبل بر این هم اسباب زیان آنها را فراهم کرده بود . بناءً از حکومت افغانستان به صورت دوستانه از طریق رسمی اخراج ایشان را خواستار شدند .

سپس از طرف وزیر امور خارجه به اعضای لویه جرگه توضیح داده شد که : از آنجایی که قراردادهای استخدام بیشتر ایشان به پایان رسیده بود ، وآنها آماده‌ء رفتن بودند ، واز طرف دیگران موادی که برای امور اقتصادی وصنعتی لازم بود ، نسبت انسداد راههای تجارتی رسیده نمیتوانست وایشان در افغانستان بیکار میماندند ، وهمچنان برای اثبات روابط بیشتر دوستانه باهمسایه گان ، حکومت افغانستان بعد از مشوره های زیاد کمیسیون باصلاحیت مشورتی شورا . وبعد از آن که از طرف سفرای روسیه شوروی وانگلیس از طریق هند وعراق از راه ترکیه در قسمت اعزام سلامتمندانه‌ء آنها اطمینان حاصل کرد ، رضایت

یعنی شریف وآقا یاد کرده ومحل اقامت خود را به نام آریانا مسما نمودند که ولایت باختر کانون ومهد این کتله به شمار میرفت . به مرور ، حیات اجتماعی آنها نسبتاً رشد وتکامل نموده وبه سبب ازدیاد نفوس، دسته یی از آریاییهای باختری به جانب غرب در میمنه واندخوی و وادی هریرود منقسم شده قسماً به طرف وادی هیرمند و ارغنداب پراگنده گردیدند، که همین راه های مجرای دریای هریرود ، هیرمند وفراه را تعقیب نموده وبالاخره به سرزمین فعلی ایران پراگنده شدند .

راجع به حیات بدوی واولیهء باشنده گان آریانا در عصر قدیم حجر ، هنوز آنقدر معلومات در دست نیست.ولی قراری که از وجه تسمیهٔ کلمهء آریانا معلوم میشود ، که ایشان خود را نجیب ، شریف، وبادار یاد میکردند ، چنین نتیجه گرفته میشود که گروهای اجتماعی اریایی این دورهء اساس زنده گی شان به روی همکاری ساده وکار مشترك ومالکیت بین افراد استوار بوده است . مطابق آثاری که از نقاط مختلف سرزمین اریانا مانند حوزهء امو ، سند ، بلوچستان ، و زرنج پایتخت قدیم سیستان به دست آمده تاریخ آن در حدود پنجهزار قبل از میلاد میرسد . آریاییها حیات بسیار ساده وطبیعی به شکل فامیلی داشتند وبرای رفع احتیاجات خویش از وسایل تولید اولیه ، چون سنگ چقماق ، سنگهای صیقل شده و فلزات کار میگرفتند . در این دوره تقسیم کار طبیعی میان افراد خانواده از نگاه سن،جنسیت،وکشت زراعت ساده و در پهلوی آن شکار ، تربیهء حیوانات وچوپانی نیز مروج گردید . بار شد وسایل تولید وتقسیم کار اجتماعی،جدا شدن مالداری از زراعت به وجود آمد ، وبه مرور ایام به نجاری ، بوریا باقی ، دباغی وبالاخره فلزکاری نیز دسترس پیدا نمودند.آیین ومعتقدات آریاییها در این دوره قسمی که از سرودهای ویدی و اوستایی بر می آید،عبارت از پرستش

داد تا اتباع این دو مملکت (بدون اعضای سفارتخانه های مربوطه شان در کابل) به اوطان شان برده شوند . قسمی که به تایخ ۸ - ۹ ماه عقرب ۱۳۲۰ ایشان از سرحدات افغانستان عبور داده شدند،سپس وزیر امور خارجهٔ افغانستان متذکر گردید که؛ سفیر انگلیس مکتوبی به ما اطمینان داده است که ، غیر از خواهش اخراج اتباع دو دولت فوق الذکر دیگر هیچ توقعی از قبیل دادن راه ومرکز حربی از افغانستان را از ما نخواهد داشت.اما از آنجایی که اوضاع جهان هر لحظه وهر آن ، از اثر این جنگ خانمانسوز در تغییر است،بناءً بهتر دانسته شد تاخط مشی وطن عزیز ما از طرف نماینده گان محترم ملت در این مجلس کبیر ملی تصویب گردد تا به اساس آن در آینده رفتار شود .

لویه جرگه روی این موضوع بحث کرده ، و در اخیر مصوبات مجلس کبیر ملی چنین اعلام گردید :

ما نماینده گان ملت افغانستان به موجب اختیاراتی که از طرف موکلین ما به ما داده شده است،وبرای بحث ومشوره در مورد وضع وموقف افغانستان به لویه جرگه در کابل مرکز افغانستان دعوت شده ایم بعد از این که بیانات عالی قدر جلالتمآب وزیر امور خارجه را راجع به گذارشات عالم وجریانات سیاسی افغانستان در این وقت استماع ، و در آن غور ودقت نمودیم بیان مینمایم که خط مشی سیاسی که حکومت اکنون تعقیب نموده مطابق آرزوی ما بوده وکاملاً درست است .

لهذا ما نماینده گان ملت سیاست بیطرفی دولت افغانستان را که تاحال نگهداشت شده و در آینده هم به طور قطع باید حفظ شود،تائید مینمایم و تصدیق میکنم .

افغانستان میتواند در ساحهٔ صلح باهمه دول ومخصوصاً باهمسایه گان خود زنده گی کند . ما نماینده گان به موجب اختیاراتی که از

مؤکلین خود دارم ، این را به صورت قطع وحتم بیان میداریم که ملت افغانستان حاضر نیست . هیچ خواهش یامطالبهء مستقیم یا غیر مستقیم را که ضد شرف ، عنعنات ، واستقلال تام ما باشد ، از هر طرفی که باشد . مورد بحث یاقبول قرار دهد . یعنی به هیچ حکومت خارجی به هیچ صورت وبه هیچ بهانه اجازه وموقع داده نخواهد شد که تمام یاحصهء از مملکت افغانستان را اشغال نماید ، ویا برای مقاصد عسکری از زمین یا هوای مملکت ما استفاده کند وی کدام امتیازی در دوران جنگ از ما خواهش نماید .

ما قطعاً لازم نمیدانیم که حکومت ما بایکی از دول خارجه داخل معاهدهء جدی شود که سیاست بیطرفی مملکت ما را اخلال نماید . وهمچنین به هیچ حکومت به هیچ صورت وبهانه موقع واجازه داده نمیشود ، ونه خواهد شد که باکوچکترین حقوقی که در معاهدات افغانستان و در حقوق بین الدول ، برای یک مملکت مستقل که افغانستان یکی از آنها است ، معین شده است تصرفات ومداخله نماید . علاوه بر آن افغانستان حق داشته وحق دارد وحق خود را محفوظ خواهد داشت که با هر مملکتی که میخواهد روابط سیاسی خود را نگهداشته ، و در آینده هم روابط سیاسی خود را قایم کند . ما نماینده گان ملت افغانستان به موجب اختیاراتی که از موکلین خود داریم به خط مشی فوق فیصلهء قطعی وحتمی مینمائیم .

ملت افغان به هیچ وقت زیر باری یکی از حکومتهای خارجه نرفته ونخواهد رفت . همیشه زنده گی آزاد نموده و در آینده هم زنده گی آزاد ومستقل خواهد کرد . ملت افغانستان متحداً حاضر هستند که حقوق خود را باتمام قوای مادی ومعنوی،تاریختن آخرین قطرهء خون خود ، محافظه نموده باشرف زیست و زنده گی نمایند .

لویه جرگهء سال

۱۳۳٤ هـ.ش

عوامل تشکیل لویه جرگه :

از انجایی که افغانستان همیشه از سیاست صلح جویانه پیروی کرده ومینماید به پیروی از این مفکوره ، در همه حال کوشیده است بی طرفی خود را حفظ نماید ، واین سیاست که همواره مورد تائید ملت افغان قرار داشته از طرف دیگر ملتهای جهان نیز به نظر قدر و اهمیت نگریسته شده است .

به اساس پیروی همین سیاست وپالیسی بود که این کشور با اکثر دول جهان روابط دوستانه داشته ، وکدام اختلاف سیاسی به جز مسألهء پشتونستان وجود نداشته است . لذا مراتب موضوع به لویه جرگهء پشتونستان ارائه ولویه جرگه چنین تصویب نمود :

در این جرگه روی سوابق مسألهء پشتونستان از طرف صدراعظم وقت

شاغلی محمد داود توضیحات مفصل ارائه گردیده ، وهم ضرورت حمایهء حقوق این مردم بنابر روابط عمیق کلتوری،دینی،و نژادی که با افغانها دارند واضح گردید .

همچنان در مورد کمکهای نظامی که باکشور پاکستان از طرف دول معظم صورت گرفته بود،وخطراتی که از این ناحیه متوجه افغانستان میشد معلومات داده شد . بالاخره لویه جرگه در جلسهء تاریخی ۲۷ عقرب خود طبق معمول تشکیل جلسه داد وبه اتفاق آراءبه این نتیجه رسید .

۱ – حمایت حق تعیین سرنوشت مردم پشتونستان که برادران هم کیش وهم نژاد ما هستند،بنا به درخواست عامهء مردم پشتونستان وظیفه ملت وحکومت افغانستان است .

بناءً این مجلس کبیر به حکومت توصیه میکند که با درنظرداشت اوامر شرعی وبه نسبت اشتراک تاریخ وکلتور،باید حمایت مطالبهء حق تعیین سرنوشت مردم پشتونستان صورت بگیرد .

۲ – نظر به سیاست موجودهء پاکستان خاصتاً به نسبت توازن قوا در منطقه ، وکمکهای که از طرف کشورهای معظم به پاکستان داده شده ، این که خطراتی را متوجه افغانستان ساخته است .

بناء در این وقت خطر وظیفهء حکومت است که غرض تحفظ استقلال وتمامیت ارضی،مملکت را تقویه نماید . فلهذا لویه جرگه با در نظرداشت شرایط و اقتضاآت وقت به حکومت توصیه مینماید که به همه گونه وسایل وطرقی که امکان داشته باشد به هر ترتیبی که به صورت شرافتمندانه میسر میشود به غرض دفاع ، مملکت را مجهز و تقویه کند .

۳ – لویه جرگه به نماینده گی از ملت افغانستان اعلان میدارد که به هیچ صورت وبه هیچ وجه علاقه های پشتونستان را بدون میل

وعلاقهء ملت پشتونستان جزءخاك پاكستان نميداند ، و در اين مورد تصويبى را كه شوراى ملى افغانستان به امضا رسانيده اندءيعنى تصويب نمبر ۷۲ تاريخى ۲۳ ميزان مجلس شوراى ملى را تائيد ميدارد .

در اخير لويه جرگه به پشتيبانى هر سه مقصد فوق آماده گى ملت را به حكومت وعده و اطمينان داد وجرگه منحل شد .

لویه جرگهٔ سال

۱۳۴۳ هـ ش

اعلیحضرت محمد ظاهر شاه وقت افغانستان به تاریخ ۲۱ / ۱۱ / ۱۳۴۳ انعقاد لویه جرگه را غرض غور بر مسودهٔ قانون اساسی وتصویب آن وعده داد . ریاست این لویه جرگه را شخص شاه به عهده داشت ، اما نسبت این که نمیتوانست همه روزه در جلسات آن اشتراك نمایدء حسب فرمان عطا محمد توخی را به حیث نایب رئیس موقت انتخاب کرد ، و در اثر رأی گیری که صورت گرفت داکتر عبدالظاهر به حیث نایب رئیس مجلس به اکثریت آراء انتخاب گردید .

ضرورت تشکیل این لویه جرگه :

از آنجایی که قانون اساسی ۱۳۰۹ هـ ش با در نظرداشت شرایط همان وقت تدوین گردیده بود و نمیتوانست بامقتضیات عصر همآهنگی داشته باشد . ضرورت مبرمی برای تدوین یك قانون اساسی جدید محسوس بود

اصولنامهء وظایف داخلی این جرگه :

لویه جرگهء ۱۳۴۳ که به تاریخ ۱۸ سنبله افتتاح گردید ، در اولین جلسهء خود در پهلوی انتخاب نایب رئیس ومنشی مجلس ، اصولنامه وظایف داخلی لویه جرگه را نیز به تصویب رسانید . این اصولنامه که به نام طرزالعمل مجلس یاد شده شامل نکات ذیل بود :

۱ - افتتاح جلسات از طرف نایب رئیس اعلان میگردید ، وقتی مجلس دایر شمرده میشد که بیش از نصف اعضای لویه جرگه حاضر میبودند .

۲ - مسودهء قانون اساسی جدید افغانستان به ترتیب مواد آن به دو لسان پشتو و دری قرائت میشود.زبان مباحثات زبان پشتو دری میباشد .

۳ - اعضای لویه جرگه بابلند بودن دست از نایب رئیس اجازه میخواهند . منشی فهرست درخواست کننده گان صحبت را به نایب رئیس تقدیم میکنند .

٤ - یك موضوع وقتی میتواند مطرح بحث قرار گیرد که مباحثه در اطراف آن از طرف یك نفر پیشنهاد وتوسط اقلاً چهل نفر تائید گردد .

۵ - یك نفر در موضوعی که مورد مباحثه قرار گرفته یك مرتبه صحبت کرده میتواند ، به اشخاصی که خواهش صحبت مکرر داشته باشند ، تنها وقتی اجازه داده میشود که همه درخواست کننده گان اولی صحبت خودرا تمام کرده و وقت برای مباحثه باقی باشد .

٦ - حد اکثر مدت صحبت یك عضو در موضوع مورد مباحثه ،

پنج دقیقه است.مباحثات باید در داخل موضوع مورد بحث باشد . در صورتی که یك عضو از موضوع خارج شود ، نایب رئیس او را ملتفت میسازد واگر بازهم به صحبت خارج از موضوع ادامه دهد نایب رئیس میتواند بیان او را قطع کند .

در موقعی که یك شخص خارج از موضوع صحبت کند هر عضو حق دارد توجهء نائب رئیس را به این نکته معطوف نماید .

۷ - در جریان مباحثات وقبل از رأی گیری در یك موضوع ، کمیتهء مطالعهء قانونی اساسی به اجازهء نایب رئیس در اطراف هر سوال و هر نظریه توضیحات میدهد .

۸ - هر وقت یك نفر پیشنهاد نماید که در یك موضوع ، مباحثه به حد کافی صورت گرفته ، نایب رئیس به آراءجرگه مراجعه میکند در صورتی که اکثریت اعضای جرگه این پیشنهاد را تصویب کند ، مباحثه ختم میگردد . واصل موضوع به رأی گیری گذاشته میشود .

۹ - تعطیل وختم جلسات وتعیین وقت جلسهء آینده از طرف رئیس اعلان میشود . در هر روز دو جلسهء عادی انعقاد میشود . جلسهء اول به ساعت ۹ صبح شروع به ساعت دوازده ونیم ختم میشود ، وجلسهء دوم به ساعت ۲ بعد از ظهر شروع وبه ساعت ۵ عصر ختم میگردد . اگر پیشرفت کار ایجاب کند رئیس میتواند از طرف شب جلسهء سوم را از ساعت [illegible] نماید .

۱۰ - در انجام بحث هر ماده راجع به متن آن رأی گیری میشود . رأی گیری به صورت علنی صورت میگیرد و تصمیم به اکثریت اعضای حاضر اتخاذ میگردد .

۱۱ - مباحثات لویه جرگه سری میباشد .

۱۲ - منشی ، پروگرام کار لویه جرگه را ترتیب نموده ، بعد از موافقهء رئیس به اطلاع اعضای لویه جرگه میرساند . منشی وظیفه دارد متن موادی را که در یك روز به تصویب لویه جرگه میرسد در همان روز به امضای اعضای لویه جرگه رسانیده ، بعد مواد مذکور به دو لسان پشتو و دری انتشار میابد .

ترکیب اعضای این لویه جرگه :

در ترکیب اعضای این لویه جرگه ، در اعلان پادشاهی مورخهء ۹ سنبله ۱۳٤۳ هـ.ش چنین نشان داده شده است :

۱ - مردم هر حوزهء انتخابی مجلس شورای ملی در ختم ماه اسد سال جاری یك نفر را از بین خود مطابق به تعامل لویه جرگهء ۱۳٤۳ جهت اشتراك در لویه جرگه انتخاب مینماید .

۲ - اعضای مجلس شورای ملی دورهء خدمت شان تاختم کار لویه جرگه تمدید گردیده است .

۳ - رئیس اعضای مجلس اعیان .

٤ - وکلایی که از طرف ملت برای شرکت در لویه جرگه انتخاب میشوند .

۵ - صدراعظم و وزراء .

٦ - رئیس واعضای محکمهء تمیز .

۷ - رئیس واعضای کمیتهء مطالعهء قانون اساسی .

۸ - رئیس واعضای کمیسیون مشورتی .

۹ - یك تعداد اشخاصی که از طرف شاه حسب معمول به عضویت لویه جرگه تعیین میگردند .

تعداد مجموعی اشتراك کننده گان این لویه جرگه ٤۵۰ نفر بودند .

لویه جرگهء سال

۱۳۵۵ هـ ش

این لویه جرگهء تاریخی به منظور غور و دقت بر مسودهء قانون اساسی دولت جمهوری افغانستان وتصویب این وثقیهء ملی به تاریخ ۱۰ دلو در تالار بزرگ صحت عامه واقع در انصاری وات شهر کابل مرکز افغانستان دایر گردید . و بر مسودهء قانون اساسی بحث صورت گرفت .

طرز انتخاب لویه جرگهء ۱۳۵۵ هـ ش :

در ابلاغیهء که از طرف حکومت به نشر رسید چنین توزیع داده شد :

۱ – انتخاب نماینده گان ملت مطابق تعامل لویه جرگه های سابق ، به منظور اشتراک در اولین لویه جرگهء دولت جمهوری افغانستان ، از تاریخ ۱۹ جدی ۱۳۵۵ آغاز وبه تاریخ ۲۰ جدی ۱۳۵۵ خاتمه میابد .

عناصر طبیعی بود. آنها ارباب النوع جنگ ، آتش ، شفق ، صبح ، شام شب و روز راستایش میکردند .

به هرصورت دوره، اخیر وجدید که در آن فلزات وظروف تیکری یکجا به کار افتاده ومعمولاً بنام و دوره، Cholicolithic خوانده شده ، در قسمتهای شمال آریانا، یعنی حوزه، سفلای اکسوس - نادعلی - زرنج از این نوع آثار کشف گردیده است، این میرساند که سرزمین آریانا در مدنیت باثقافت دوره، Cholicolithic آسیای غربی ومصر همدوره بوده است .

این همان مدنیتی میباشد که زمانی از حوزه، سند تا وادی نیل یك ساحه، وسیع سرزمینها را اشغال کرد و در مدت چند هزار سال دوره های مالداری ، نیمه مالداری زراعتی همچنان دوره، حیات خانواده گی عشیروی وقبایلی را طی کرد تا بالاخره شهرها وبلده ها به وجود آوردند واین تحول وانتقال اجتماعی آریاییها در آریانا، مملکت ما را اولین وبزرگ ترین مرز مدنیت آریایی قرار داد .

آریاییها باختر یا باکتریا در آریانا، از قدیم ترین ازمنه یك نوع منظومه ها وسرودهای داشتند که آنها را ادبیات شفاهی باید دانست. این ادبیات قرنها از دهن به دهن گشته و در سینه ها محفوظ مانده است . پدر خانواده سعی داشت اولاد خود را از فراگیری ادب بهره ور سازد. به همین جهت تاموقع اختراع خط وکتابت قسمتی از آن منظومه ها وسرودها محفوظ ماند .

گوینده گان این سرودها ریشیها بودند که برعلاوه، منزلت روحانی ، صفت کتابت وشاعری هم داشتند . ریشی شامل مردها وزنها بودند و در جامعه، حیثیت متفکرین و رهنمایان را داشته و نزد پادشاهان احترام زیاد داشتند .

۲ - از مرکز کابل سه نفر نماینده به منظور اشتراك در لویه جرگه ، که از طرف مردم انتخاب میگردند. از مرکز ولایت کندهار ، هرات ، بلخ ، ننگرهار ، پکتیا ، کندز ، غزنی دو دو نفر ، از سایر مراکز ولایات یك یك نفر به حیث نماینده گان لویه جرگه از طرف مردم انتخاب میگردند .

همچنان از لوی ولسوالیها و ولسوالیها یك یك نفر نماینده به غرض اشتراك در لویه جرگه از طرف مردم انتخاب میشوند .

در این ابلاغیه در مورد انتخاب اعضای لویه جرگه ("جملهء مطابق به تعامل لویه جرگه های سابق ") ذکر گردیده ، باید متذکر شد که در ابلاغیه هایی که به وقت دایر شدن جرگه های قبلی هم به نشر رسیده این جمله به چشم میخورد . اما معلوم نیست که این تعامل از کدام جرگه آغاز گردیده ، اگر با در نظرداشت انتخاباتی که در یکی دو جرگهء قبلی صورت گرفته این جمله را تفسیر وتوضیح نمایم باید گفته شود طرز انتخابات از این قرار بوده است .

ابتدا بعد از اعلان تاریخ انتخابات . یك تعداد داوطلبان خود را کاندید مینمودند. در روز انتخاب ، اهالی محل در حوزه هایی که برای دادن رأی معین شده بود مراجعه کرده ، وشخص مورد نظر را برای نماینده کی خود در لویه جرگه انتخاب مینمودند. این انتخاب به اساس اکثریت نسبی زیر نظر [illegible] صورت گرفته ونتایج ان را حکومت به اطلاع عامه میرسانند وکسانی که انتخاب شده بودند به تاریخ معینه به جرگه اشتراك مینمودند.

این نکته قابل یاد دهانی است که در انتخابات لویه جرگه های گذشته حکومت به صورت غیر مستقیم مداخله مینمود وکاندیدهای نماینده گی به موافقت حکومت صورت میگرفت .

مگر انتخابات لویه جرگهء ۱۰ دلو ۱۳۵۵ در شرایط دیگری و در فضای دیگری به عمل آمد . ما روشهای که از طرف مردم به تائید از شیوهء انتخابات صورت گرفت وجریان جرگه که از طریق امواج رادیو پخش گردید ، گواه خوبی است از دموکراتیک بودن انتخابات وشیوهء مباحثهء این لویه جرگه ، که البته بدون شك به گفتهء شاغلی محمد داود اولین رئیس جمهور افغانستان تاریخ بر آن قضاوت خواهد کرد .

طرز العمل مجلس لویه جرگهء ۱۳۵۵ :

۱ – افتتاح جلسات از طرف رئیس لویه جرگه اعلام میگردید و مجلس وقتی دایر میشد که دولت اعضای لویه جرگه حاضر میبودند .

۲ – مسودهء قانون اساسی جدید افغانستان به ترتیب مواد آن به دو لسان پشتو و دری قرائت میشد زبان مباحثات زبان پشتو و دری بود .

۳ – اعضای جرگه بابلند نمودن دست از رئیس اجازهء صحبت میخواستند ، منشی ها فهرست درخواست کننده گان صحبت را به رئیس تقدیم میکردند .

٤ – رئیس بر اساس فهرست مذکور به درخواست کننده گان اجازهء صحبت میداد .

٥ – یك موضوع وقتی میتوانست مطرح بحث قرار گیرد که از طرف یك نفر پشنهاد وتوسط اقلاً ٤٠ نفر تائید میگردید .

٦ – یك نفر در موضوعی که مورد بحث قرار میگرفت یك مرتبه صحبت کرده میتوانست به اشخاصی که خواهش صحبت مکرر را میداشتند ، تنها وقتی اجازه داده میشد که همه درخواست

کننده گان اولی صحبت خود را تمام میکردند ، ووقت برای مباحثه باقی میماند . حد اکثر مدت صحبت یك عضو در موضوع مورد مباحثه پنج دقیقه بود .

۷ - مباحثات باید داخل موضوع مورد بحث بوده در صورتی که یك عضو از موضوع خارج میشد، رئیس او را ملتفت میساخت ، واگر بازهم به صحبت خارج از موضوع اجازه میداد ، رئیس میتوانست گفتار او را قطع کند . در موقعی که یك شخص خارج از موضوع صحبت میکرد هر عضو حق داشت توجهء رئیس را بدین امر معطوف نماید .

۸ - در جریان مباحثات وقبل از رأی گیری در یك موضوع ، اعضای کمیتهء مسودهء قانون اساسی به اجازهء رئیس در اطراف هر سوال وهر نظر به توضیحات پرداخته میتوانست .

۹ - هر وقت یك نفر پیشنهاد میکرد که در یك موضوع مباحثه به حد کافی صورت گرفته ، رئیس به آراء مجلس رجوع میکرد در صورتی که اکثریت اعضای حاضر مجلس کبیرء این پیشنهاد را تائید میکردند مباحثه ختم میگردید واصل موضوع به رأی گیری گذاشته میشد .

۱۰ - تعطیل وختم جلسات وتعیین وقت جلسهء آینده ، از طرف رئیس اعلام میشد ، در هر روز دو جلسهء عادی عقد میشد . جلسهء اول ۸ صبح شروع به ساعت ۱۲ ختم وجلسهء دوم به ساعت ۲ بعد از ظهر شروع وبه ساعت چهار ونیم ختم میگردید .

۱۱ - مباحثات لویه جرگه علنی بود مگر این که یك عضو جرگه سری بودن آن را تقاضا واکثریت اعضای لویهء جرگه تائید مینمودند .

۱۲ - منشی پروگرام کار لویه جرگه را ترتیب نموده بعد از موافقهء رئیس به اطلاع اعضای لویه جرگه میرسانید . منشی وظیفه داشت متن موادی را که در یك روز به تصویب لویه جرگه میرسید ، در همان روز

به امضای اعضای مجلس کبیر برساند . بعد مواد مذکور به دو لسان پشتو و دری انتشار میافت .

۱۳ - رئیس در حالت تساوی آراء حق رأی را دارا بوده و در صورتی که در موضوع تساوی آراء موجود میشد هر طرفی که رئیس رأی میداد اکثریت معتبر دانسته میشد .



ترکیب اعضای این لویه جرگه :

الف : نماینده گان انتخابی ملت .

ب : اعضای حکومت وکمیته، مرکزی .

ج : رئیس اعضای شورای عالی قضاء .

د : رئیس واعضای کمیته، تدقیق وغور بر مسوده، قانون اساسی .

هـ : صاحب منصبانی که به فرمان مقام ریاست دولت جمهوری از اردو تعیین گردیده بودند .

و : اشخاصی که از مقام ریاست دولت توسط فرمان به صفت اعضای لویه جرگه تعیین گردیدند .

تعداد اعضای انتخاباتی این جرگه به ۲۰۹ نفر ، عده، اعضای انتصابی جرگه ۱۳۰ نفر ، اعضای حکومت ۱٤ نفر اعضای شورای عالی قضائیه ٦ نفر و رئیس بااعضای کمیته، تدقیق غور بر مسوده قانون اساسی ۲۰ نفر .

در صورتی که تعداد اعضای کمیته، مرکزی نیز کمتر از ۲۰ نفر بودند بدین ترتیب تقریباً ٤۰۰ نفر عضویت جرگه را داشتند .

ناگفته نماند که شش نفر از اعضای حکومت عضویت کمیته، تدقیق وغور بر مسوده، قانون اساسی را نیز دارا بودند .

اعضای مجلس در اولین جلسه، جرگه از بین خود یك نفر را به حیث

رئیس و دو نفر را به حیث منشی انتخاب نمودند و ریاست مجلس را عزیزالله واصفی به عهده داشت .

در ترکیب اعضای این مجلس ، برای اولین بار در تاریخ لویه جرگه های افغانستان سه نفر نماینده، دهقانان و ۲۰ نفر نماینده گان کارگران و ۱۲ نفر از طبقه، نسوان کشور عضویت داشته و در تعیین سرنوشت و مقدرات کشور ایشان نیز ذیصلاح شناخته شدند .

مآخذ این رساله

۱ – پته خزانه تألیف محمد هوتك .

۲ – جنگ افغان و فارس تألیف سرجان ملکم .

۳ – تاریخ سلطانی تألیف سلطان محمد .

٤ – تاریخ هوتکها تألیف عبدالرووف بینوا .

۵ – سیرالمتاخرین تألیف منشی غلام حسین .

٦ – افغانستان در مسیر تاریخ تألیف میر غلام محمد غبار .

۷ – کتاب لویه جرگه ۱۳۰۳ ... آرشیف دارالسلطنه، کابل .

محل سکونت پادشاه که شکل قلعهء مستحکمی را داشت به نام پور خوانده میشد که این اصطلاح تاحال در افغانستان مروج است مانند : شیرپور ، فتح پور وغیره .

در آریانای ویدی،حکومت شاهی در اثر احتیاج عموم وتوسعهء قبایل وقریه ها به میان آمد . در انتخاب پادشاه ، آرای ریشیها وروسای قریه ها،واعضای مجالس سیتی وسبها،وهمچنان اخلاق وقوت بدنی وکفایت شخص شاه مداخلت داشت . وقتی که پادشاهی شکل ارثی را به خود گرفت،شاه عنوان نجیب و برگزیده را به خود گرفته و دارای البسهء فاخر،مزین به طلا وجواهرات گردیده،قبیلهء او هم محترم بود . مشاور مذهبی قریب تخت پادشاه مینشست،روسای قبایل به او مشوره میدادند، اردو را در جنگ شخص پادشاه اداره میکرد و سواره نظام وعراده های جنگی از او حمایت میکردند .

اولین پادشاه آریانا بنام یما یاد میشد که منسوب به خانوادهء پردادها یا پیش دادیان بود . نامبرده اولین شخصی است که ترقی زراعت ، نساجی،تشکیل گروههای روحانی ونظامی ، واصول معماری آریانای قدیم را به او نسبت میدهند وجشن نو روز از مقررات او است .

گفتیم که در انتخاب شاه دو مجلس که به نام سیمیتی وسبها یاد میشدند رول عمده داشتند. همچنان روسای دهات ، ریش سفیدان وبزرگان شهر نیز در مورد انتخاب شاه دارای صلاحیت بودند ، و در این قسمت مشوره میدادند . عنعنهء جرگه های قومی وملی وبالاخره شکل متکامل تر آن یعنی لویه جرگه ها،در حقیقت عنعنهء اصیل ملی همان روزگاران است که برای ما ارمغان مانده است .

واضح استکه آریاییها به اساس نظامی که میتوان آن را دموکراتیک نامید ، زنده گی داشتند و در امور مهم از مشوره ونظریات وافکار مردم

کار میگرفتند، وبرای این منظور مجالسی داشتند که بنامهای سبها وسیمیتی یاد میشدند .

سبها مجلسی بود که در قریه ها تشکیل شده و در آن معاملات کوچکی قریه، وده را فیصله مینمودند . این مجلس در قریهء بزرگ تشکیل میشد ، وبرای انعقادآن در هر قریه اتاق ومحل معینی وجود داشت، و در آن همه مردم بدون استثنا شامل میشدند ، و در آنجا مناقشات ومشاجرات ومعاملات خود را فیصله میکردند وحتی از محل انعقاد آن برای بعضی بازیها هم کار میگرفتند واز بعضی اشارات معلوم میشود که زنان هم در ان شامل بودند .

سیمیتی مجلس دیگری بود ، که مانند سبها تمام مردم بدون استثنا در آن شامل شده نمیتوانستند بل که ریشیها، نجبا واعیان ومالکین عراده ها و رمه ها در آن عضویت داشتند . چنانچه در سرودهای ریگویدا به آن اشاره شده است : ای اندرا!!از رفقای تو یعنی کسانی که اسپها ، عراده ها دارایی ورمه ها دارند در مجلس سیمیتی داخل میشوند .

از این جمله معلوم میشود که مجلس سیمیتی مخصوص طبقهء اعیان وبزرگان قوم ومملکت بوده است .

یکعده را نظر بر این است که هر دوی این مجلس در واقع یک مجلس بوده است ، عدهء دیگری عقیده دارند که مجالس دوگانهء مذکور به همان نامهای فوق یعنی سیمیتی وسبها به شکل دوگانه موجود بوده اند .

از اینجا معلوم شده میتواند که در انتخاب پادشاه هر دو مجلس رول داشت وآن انتخاب نتیجهء رای هر دو مجلس بود .

به هرصورت تاریخ افغانستان بعد از مراحل قبل التاریخ مدنیت پیش از ویدی وعصر ویدی ، در حدود دو هزار سال قبل از میلاد، یعنی ظهور مدنیت اوستایی خاتمه میابد ، در حقیقت در حدود هزارو دوصد

وسقوط شیرازهء وحدت ملی محتوم واجتناب ناپذیر خواهد بود . ولی در تاریخ لویه جرگه های افغانستان ، چنین خلایی را نمیتوان مشاهده کرد که این خود یکی از امتیازات برجسته وخجستهء معنوی لویه جرگه های افغانستان به شمار می آید . وبه همین خاطر است که لویه جرگه والاترین وبالاترین مرجع تصمیم گیری در کلیه مسایل بزرگ سیاسی واجتماعی افغانستان در محراق توجه ملت بوده وبه حیث یك نهاد هسته یی ملی وتصمیم گیری ، در صدر همه مراجع قرار دارد که به تصامیم وارادهء آن ، جامعهء افغانی قانع ، مطیع وباورمند میباشد .

روی این ملاحظات وملحوظات وحقایق ، میتوان قاطع وصریح حکم کرد که لویه جرگه های عنعنوی افغانستان ، بزرگترین وپر اعتبارترین وقاطع ترین ودموکراتیك ترین مرجع حقوقی وسیاسی وملی درکشور است که مردم به آن باور دارند ، اعتماد میکنند ومهر تائید روی آن میزنند . چنان که در فصول فصیل این فصلنامه ، مظاهر این باورمندیهای ملت افغانستان در موارد مختلف تصمیم گیریهای لویه جرگه ، به دفعات وکرات متبلور شده است .

از آنجایی که در قسمت تدوین* وتألیف این کتاب ، اسناد معتبر تاریخی رویت شده است ومخصوصاً در شرایط ناهموار کنونی ، که افغانستان در بی سرانجامیهای گنگ ونامعلوم سیاسی وحقوقی دست به گریبان است ، نشر این کتاب میتواند رهکشای مشکل کنونی باشد .

اتحادیهء نویسنده گان افغانستان آزاد ، مضاعف بر این که تلاشهای خسته گی ناپذیر مؤلف محترم پوهنوال محبوبه استاد دیپارتمنت حقوق عامه وعلوم سیاسی پوهنتون کابل را در تدوین وتألیف این اثر ارجناك وموثر ومثمر ثمرات فراوان میخواند ، وتوفیق برای موفقیتهای سریع شان از بارگاه خداوند نیاز میکند ، نشر این اثر را به عنوان رسالت کار

خود در پویهء شرایط حساس کشور در قبال مردم و وطن و وظیفهء خود ، یك خدمت رسالتمندانه انگاشته ، امیدوار است این برگهای سازنده مورد توجه زمامداران فعلی افغانستان قرار گیرند وبا مراجعه به این میراث کهن تاریخی به وضع ناهنجار کنونی پایان دهند .

ومن الله التوفیق

انجمن نویسنده گان افغانستان آزاد



لویه جرگه ها مظهر دموکراسی در افغانستان

تالیف : پوهنوال محبوبه

نام کتاب : لویه جرگه ها مظهر دموکراسی در افغانستان
نویسنده : پوهنوال محبوبه
مترجم : اتحادیهء نویسنده گان افغانستان آزاد
نمبر مسلسل : ۷۳
محل چاپ : تا پرنترز - پیسور
سال چاپ : ۱۳۷۳ هـ ش مطابق ۱۹۹٤ ع جون
تیراژ : ۲۰۰۰
کمپوزر : سید حسین پاچا

لویه جرگه مظهر دموکراسی
در افغانستان

تالیف: پوهنوال محبوبه



فهرست مندرجات

بسم الله الرحمن الرحیم

« یادداشت اداره »

در رابطه بامحتویات این رساله ، بیمورد نیست ، به این نکته تاکید شود ؛ در فرصتی که هنوز دنیای معاصر ما به تشکیل سازمان ملل متحد توفیق نیافته بود ، افغانها با درایتی که داشتند به مقتضای دروس قرآن ، این حقیقت را درك نموده بودند که شورا ومشوره وتفاهم ومذاکره ، کلید حل بزرگترین مشکلات جوامع انسانی بوده و در پناه آن ، میتوان راههای فلاح ورستگاری را در فراخنای زنده گی فردی واجتماعی باز یافت ، وبرای معضلات پیچیده ومشکلات بغرنج حیات سیاسی ومدنی ، اقتصادی واجتماعی از آن استفاده نمود .

لویه جرگه های عنعنوی افغانستان ، با پایه های وسیع ومستحکمی که در پناه حمایت ملت افغان داشته است ، نه تنها مشکلات سیاسی کشور را حل نموده است ، بل که هرگاه از نظر بنیادی به ان نگاه شود بدون تردید ، این جمعیت بزرگ ملت افغانستان ، با زیرکی هوشمندانهء که در فطرت این قوم عجین است ، در بسیاری جهات مسایل وموضوعات حقوقی را هم موشگافانه بررسی ومسایل را به صورت دموکراتیك حل کرده اند .

جرگه های کوچك عشیروی وعنعنوی افغانها که عمر طویل دارند ، باوصف این که هنوز در مجامع واجتماعات بشری ، از حقوق بشر وحمایت از حقوق بشر خبری نبود وبه گسترده گی امروزی نرسیده بود ، مسایل حقوقی در جامعهء افغانی ، بدون درنظر داشت اکثریتها واقلیتها به صورت دموکراتیك مطرح بحث قرار میگرفت وفیصله های عادلانه یی پیرامون قضا یا صادر میگردید .

چنانچه اگر ، تصامیم وفیصله ها وتصاویب لویه جرگه های جامعهء افغانی ، از کوچك تا بزرگ ، از عشیروی تا ملی ، از لحاظ حقوقی ، به پژوهش وتحقیق وتدقیق گرفته شوند بدون تردید ، هریك از این فیصله ها وتصاویب آگنده از اصالت حقوقی بوده ، وحقوق اقلیتها واکثریتها ، منافع جامعهء افغانی ، منافع علیای کشور ، رسالتهای تاریخی و پربار مردم افغانستان ، تمامیت ارضی واستقلال سیاسی وحقوقی در هریك آن متبلور ومتبارز بوده وتصاویب جامع وهمه جانبه صورت گرفته است .

زیرا قدر مسلم است که هرگاه در جامعه یی مانند افغانستان ، حقوق افراد وقاطبهء مردم ، حقوق اقلیتها واکثریتها ، تأمین وتضمین نشود ، موجب بروز اختلاف ، اضداد ، نفاقها وخانه جنگیها شده